

## وضعیت در پنجشیر چگونه است؟

گزارش یکی از نهادهای مدنی



دولت برای بازکردن راه‌ها وسایل کافی در نظر نگرفته است. در مرکز صحنی نزدیک حادثه در عبدالله خیل، امکانات پزشکی بسیار محدود بود. مسئول درمانگاه محلی گفت، حتا یک تابلیت ضد درد هم نداریم و داروهایی را که با خود برده بودیم، اندک کمکی بود که به این مرکز صحنی می‌رسید.

تصاویر گرفته شده از قربانیان حادثه توسط رضاکاران محلی از پریان، نشان می‌دهد که جسد‌های ده‌ها کودک و زن از زیر آوار برف بیرون کشیده شده و برخی از خانواده‌ها به صورت دست‌جمعی جان باخته‌اند

صفحه ۷

## توفان و برف‌باری بار دیگر بخش‌هایی از پنجشیر را تهدید می‌کند



صفحه ۶

## تاکتیک‌های سودآور؛ رویکرد جدید طالبان

صفحه ۷

## مسوولان کمیسیون‌ها برف بام‌شان را بر بام دیگران انداختند

### ۱۰ هزار کارمند موقتی کمیسیون انتخابات وارد فهرست سیاه شدند



از خود دفاع کند. نادر محسنی سخنگوی کمیسیون شکایات انتخاباتی روز یکشنبه ۱۰ حوت ۱۳۹۳ در یک کنفرانس خبری گفت: «کمیسیون شکایات انتخاباتی در مورد... ادامه صفحه ۶»

حدود بیست نفر در میان این ده هزار تن، کارمندان دائمی محلی کمیسیون انتخابات هستند. کمیسیون شکایات می‌گوید که این تعداد از کارمندان دائمی کمیسیون انتخابات یک هفته وقت داده شده تا در برابر اتهاماتی که بر آن‌ها وارد است، دفاع کنند. در صورتی که این افراد از اتهام‌ها علیه‌شان دفاع نکنند، شامل لیست سیاه انتخابات خواهند شد و پس از این حق کار در نهادهای انتخاباتی را نخواهند داشت.

نام این تعداد از کارمندان کمیسیون انتخابات در صفحه انترنتی کمیسیون شکایات انتخاباتی نشر شده است. و هر کارمند متهم می‌تواند در ولایت خود به دفاتر ولایتی کمیسیون شکایات مراجعه کرده و

کمیسیون شکایات‌های انتخاباتی ۱۰ هزار تن از کارمندان موقتی محلی کمیسیون انتخابات را متهم به تقلب و تخطی در انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی سال ۲۰۱۴ کرده است.

یک تحقیق در مورد عملکرد کارمندان کمیسیون انتخابات که از سوی یک هیأت حقیقت‌یاب متشکل از کمیشنران کمیسیون شکایات انتخاباتی صورت گرفته، این تقلب را برملا ساخته است.

به گفته مسوولان کمیسیون شکایات، این تحقیق سه ماه را در بر گرفته تا اسناد و شواهد کافی در مورد افراد متقلب به دست آید.

مسوولان این کمیسیون می‌گویند این کارمندان با عملکردشان به شفافیت انتخابات صدمه زده‌اند

### وزارت داخله:

### در عملیات ذوالفقار تلفات سنگینی به طالبان وارد شده است



عملیات ذوالفقار کشته شده‌اند. این وزارت می‌گوید ۳۶ تن از افراد کلیدی و فرماندهان مهم طالبان که جنگ را در هلمند رهبری می‌کردند، از بین رفته‌اند.

وزارت داخله می‌گوید نیروهای امنیتی توانسته‌اند در این عملیات یک کارخانه ماین‌سازی و اسلحه‌های طالبان را نابود کنند. صدیق صدیقی سخنگوی وزارت... ادامه صفحه ۶

وزارت داخله افغانستان می‌گوید با اجرای عملیات ذوالفقار در ولایت هلمند، مراکز تجمع طالبان هدف قرار گرفته و تلفات سنگینی به شورشیان وارد شده است. این عملیات به منظور جلوگیری از حملات بهاری طالبان راه‌اندازی شده است.

این عملیات به تاریخ ۲۶ دلو در ولسوالی‌های سنگین، ناوه، خانشین ولایت هلمند آغاز شد و هنوز هم ادامه دارد. مراکز تجمع طالبان در ولایات هلمند، قندهار، فراه، زابل و ارزگان در این عملیات هدف قرار می‌گیرند. اردو، پولیس و امنیت ملی این عملیات را به صورت مشترک به پیش می‌برند.

براساس آمار وزارت داخله از ۲۶ دلو تاکنون حدود ۴۰۰ تن از جنگجویان طالبان در نتیجه

### تلاش‌ها برای جلب توجه سرمایه‌گذاران در پروژه شهر جدید کابل



تفاهم‌نامه همکاری میان بورد مستقل انکشاف شهر جدید کابل و وزارت تجارت و صنایع امضا شد.

بر اساس این تفاهم‌نامه، وزارت تجارت متعهد است که سرمایه‌گذاران خصوصی را برای سرمایه‌گذاری در پارک‌های صنعتی پروژه شهر جدید کابل تشویق و زمینه‌سازی کند.

این تفاهم‌نامه از سوی الهام عمر هوتکی معاون اداره انکشاف شهر جدید کابل و مزمل شینواری سرپرست وزارت تجارت به امضا رسید... ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها



ما نگران چی هستیم

اندیشه‌های سیاسی در میان مسلمانان



تبارشناسی جریان‌های فکری رایج در جهان اسلام



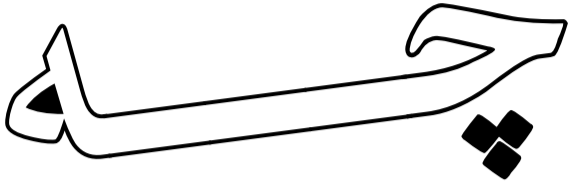
دنیا پشت این مرد دل‌تنگ خواهد شد!





احمد عمران

# ما ننگِ بران



## هستیم؟

را ببخشند. این جاست که من به این سخنان زیبای مصطفی ملکیان می‌اندیشم که می‌گوید: «من نه دل‌نگرانِ سنت‌ام، نه دل‌نگرانِ تجدد، نه دل‌نگرانِ تمدن، نه دل‌نگرانِ فرهنگ و نه دل‌نگرانِ هیچ امر انتزاعی دیگری از این قبیل. من فقط نگرانِ انسان‌های گوشت و خون‌داری هستم که می‌آیند، رنج می‌برند و می‌روند. سعی کنیم انسان‌ها هرچه بیشتر با حقیقت مواجهه یابند و به حقایق هرچه بیشتری دسترسی پیدا کنند؛ علاوه بر آن هرچه کم‌تر درد بکشند و رنج ببرند؛ و علاوه بر آن هرچه بیش‌تر به نیکی و نیکوکاری بگرایند. برای تحقق این سه هدف، از هر چیزی که سودمند می‌تواند بود، بهره‌گیرند؛ از دین گرفته تا علم، فلسفه، عرفان، هنر، ادبیات و همه دستاوردهای بشری دیگر.»

آیا انسان‌های این سرزمین در چنین روزهایی نشان نمی‌دهند که برای‌شان قوم و زبان و چیزهایی از این دست نمی‌تواند مهم باشند، آن‌گونه که شوربختانه عده‌یی آن را ترویج می‌کنند؟ آیا انسان‌های این سرزمین بلاکشیده با کنش و واکنش‌های خود نمی‌گویند که به یکدیگر تعلق دارند و زنده‌گی باهمی می‌خواهند؟ چرا عده‌یی زیر نام سیاست از این مردمی که به یک نان خشک محتاج‌اند، حربه‌هایی برای هدف‌های سیاسی خود می‌سازند؟ چرا عده‌یی به نام طالب و عده‌یی به نام داعش و عده‌یی دیگر به نام ملیت و زبان، از این انسان‌های پاک قربانی می‌گیرند؟

در روزی که تیم کرکت افغانستان برنده شد، دوستی در صفحه فیس‌بوک خود نوشته بود که «هر روز از روز پیشتر بیشتر باور می‌کنم که آن‌چه که مردم افغانستان را می‌تواند به هم نزدیک کند، ورزش است». اما در عین حال مردم نشان داده‌اند که در زمان مصیبت هم در کنار یکدیگر قرار دارند؛ همان‌طور که شاید در همه روزها در کنار هم باشند، اما چشم سیاست‌مداران آن را نمی‌بیند.

استاد ملکیان از طرح برنامه خود به نام پروژه معنویت نتیجه جالبی می‌گیرد که ذکرش در این جا خالی از فایده نیست: «دنامارکی‌ها در زبان و ادبیات اروپایی به‌کندذهنی معروف‌اند؛ یک روز یک دنامارکی وارد فرانسه شد و چون پاریس را نمی‌شناخت، یک نقشه از پاریس خرید و مدام به نقشه نگاه می‌کرد و می‌گفت باید این خیابان را خراب کنند، این ساختمان را باید آن‌جا بگذارند و... او نمی‌فهمید که باید نقشه را با شهر هماهنگ کرد، نه این‌که شهر پاریس را با نقشه منطبق کنیم. ما که نباید انسان‌ها را فدای نقشه‌های سیاسی، اقتصادی و... کنیم. این‌ها برای انسان‌ها هستند تا انسان‌ها بتوانند راحت‌تر زنده‌گی کنند. من بارها گفته‌ام که اگر کسی تمام آثار تاریخی باستانی ایران را خراب کند، این قدر ناراحت نمی‌شوم که به یک انسان یک سیلی بزنند. چون انسان مهم است، نه آن چیزها.»

حالا من نیز می‌خواهم این پرسش را مطرح کنم که: «برای ما واقعا چه چیزهایی مهم است؟ آیا خوب نیست در چنین روزهایی به این سوال باندیشیم و صادقانه پاسخ بگوییم؟»



در زابل سی شهروند دیگر هنوز در اسارت گروه‌های مسلح ناشناس قرار دارند. برای رهایی آن‌ها هنوز اقدامات نتیجه‌بخش نبوده است. اگر از یک سو حوادث طبیعی فاجعه می‌آفرینند، از دیگر سو گروه‌ها و دسته‌هایی وجود دارند که نمی‌گذارند آب خوش از گلولی این سرزمین مصیبت‌زده به‌آرامی فرو رود.

حوادث طبیعی، چهره دیگری از این سرزمین را نیز به نمایش می‌گذارد. در میانه این همه مشکلات و بی‌تفاوتی‌های مسوولان، اما مردمی را می‌بینی که سخت‌کوش و مستحکم روی پاهای خود ایستاده‌اند. این روزها شبکه‌های اجتماعی پُر از حرف و حدیث‌ها در مورد فاجعه برف‌کوچ در بخش‌هایی از افغانستان است. صمیمیت مردم را پایانی نیست. وقتی بحث‌های مستهجن و نفرت‌انگیزی از قوم‌گرایی و زبان‌گرایی را می‌شنوی، به نحوی به عنوان انسانی مدرن و آشنا با ارزش‌های حقوق بشری، دل‌زده می‌شوی. فکر می‌کنی واقعا در سطح جامعه چنین بیماری‌هایی وجود عینی و خارجی دارند، اما به محض این‌که مصیبتی بر این سرزمین وارد می‌شود و یا اندک خوشی‌یی از ناحیه‌یی مثلا ورزش به گوش می‌رسد، آن‌گاه متوجه می‌شوی که چه انسان‌های خوش‌طبعیتی در این سرزمین زنده گی می‌کنند؛ انسان‌هایی که خود محتاج‌اند ولی حاضراند نان خود را با برادر مصیبت‌زده خود نیم کنند و یا کفش

مصیبتی فراگیر کشور را فرا گرفته است. بازهم امسال مثل سال‌های گذشته، بخشی از افغانستان با فاجعه طبیعی روبه‌رو شده است. برف‌کوچ در ولایت‌های پنجشیر، نورستان، بدخشان، بادغیس، دایکندی و هرات، جان صدها تن را گرفته و صدها تن دیگر هنوز در زیر آوار قرار دارند. زبان‌های مالی این فاجعه بی‌اندازه زیاد است، ولی تا هنوز آمار رسمی آن در دست نیست.

هر سال افغانستان شاهد حوادث طبیعی است. سال گذشته بدخشان در اثر رانش زمین، سرخط خبرهای روز قرار گرفت. سال‌های پیشتر از آن نیز برخی ولایت‌ها به گونه‌هایی از مصایب طبیعی در امان نبوده‌اند. سرازیر شدن سیل، رانش زمین و یا برف‌باری، خسارت بزرگی را وارد می‌کنند. آیا تلفات برخاسته از چنین حوادثی قابل پیش‌گیری نبوده است و یا نمی‌شد که با برخی پیش‌بینی‌ها در کاهش تلفات و خسارات کاری انجام داد؟

این سوال‌ها هنوز حل نشده‌اند و مسوولان در رده‌های مختلف، تنها اطلاع‌رسانی می‌کنند و خود را به شدت مشغول رسیده‌گی به مصیبت‌دیده‌گان نشان می‌دهند.

افغانستان کشوری در خط حوادث است؛ چه حوادث طبیعی و چه حوادث غیرطبیعی. هر روز در این کشور مصیبتی رخ می‌دهد و جان عده‌یی را می‌گیرد. هر روز به نوعی ماتم است.

## سخن ماندگار

### قلب را مدیران دائمی کردند

### جزا را کارمندان موقتی می‌بینند

به تازگی کمیسیون شکایت‌های انتخاباتی، ده‌هزار کارمند کمیسیون انتخابات را در لیست سیاه انتخابات قرار داده است. این اقدام به عنوان ایجاد اصلاحات در نهادهای انتخاباتی صورت گرفته است. این ده‌هزار کارمند در ولایت قندهار؛ ولایتی که بیشترین رای تقلبی را به نفع محمد اشرف غنی در دو دور انتخابات ریاست جمهوری داشته است، کار می‌کردند که حد اقل نشان از تایید قلب در انتخابات ریاست جمهوری، به خصوص در این ولایت دارد.

به گفته مقام‌های کمیسیون، این افراد کسانی‌اند که در پروسه انتخابات، اختلال وارد کرده‌اند و دیگر نمی‌توانند وارد کار در کمیسیون انتخابات شوند. این ده‌هزار تن عمدتاً کسانی‌اند که به شکل موقت فقط در روز انتخابات استخدام شده بودند و هیچ مسوولیتی در کمیسیون انتخابات نداشته‌اند؛ زیرا قراین، شاهد و اسناد نشان می‌دهد که کارمندان موقتی کمیسیون‌های انتخاباتی نقش چندانی در تقلب‌های کلان و سازمان یافته به نفع یک نامزد مشخص نداشته‌اند.

انتخابات ریاست جمهوری ما فاسدترین انتخابات جهان بعد از انتخابات سوریه خوانده شده است و گسترده‌گی تقلب آن نیز کار یک سیستم موثر و مدیریت شده بوده است نه کار ده‌هزار و بیست‌هزار کارمند در بیش از بیست‌وپنج هزار محل رای‌دهی که برای یک روز، آنهم زیر نظارت ناظران و مسوولان.

میدانیم که برکناری این کارمندان موقتی کمیسیون انتخابات، حرکتی به خاطر نشان دادن اصلاحات در نهادهای انتخاباتی است؛ اما به هیچ عنوان نمی‌تواند صداقت مسوولان نهادهای انتخاباتی را برتابد؛ زیرا مسوولان کمیسیون‌های انتخاباتی با این اقدام در پی آن‌اند تا نگاه‌های مردم را در مورد مسوولان این کمیسیون‌ها و تقلب کاران اصلی که مدیران این کمیسیون‌ها هستند، به سوی دیگر معطوف کنند.

این در حالی است که قرار است دو تیم تشکیل دهنده حکومت وحدت ملی، با تشکیل کمیسیون اصلاحات انتخاباتی، زمینه را برای ایجاد تغییراتی گسترده و اساسی در ساختار، قوانین، نظام و ترکیب کمیسیون‌های انتخاباتی افغانستان آغاز کنند. کمیسونی که تا هنوز ترتیب نشده و بر سر چگونگی ترکیب و کار آن میان هردو تیم دولت وحدت ملی اختلاف نظرهایی وجود دارد.

در چنین شرایطی است که بحث اجماع سیاسی بر کمیسیون‌های انتخاباتی، از جانب ریاست‌جمهوری مطرح می‌شود و حالا هم در لیست سیاه قرار دادن ده‌هزار کارمند کمیسیون انتخابات، تا بتوانند تلاش‌ها برای ایجاد اصلاحات بنیادین در نظام انتخاباتی را تحت شعاع قرار دهند و افکار عمومی را منحرف سازند و از ایجاد اصلاحات لازم در نهادهای انتخاباتی جول گیری کنند.

اما واقعیت این است که قلب در انتخابات مهندسی شده و کار مدیران و ستون اجرایی‌یی بود که اکنون در این کمیسیون‌ها فعال‌اند و حالا می‌خواهند که برف پام خودشان را بر سر کارمندان بیچاره و غیر سیاسی موقتی کمیسیون انتخابات بیاندازند.

گفتنی است که اکنون شعور سیاسی مردم بالا رفته است و نمی‌شود با این برگ‌ها و کارت‌های از کار افتاده، خاک به چشم مردم زد. مسوولان در نهادهای انتخاباتی بدانند که با درلیست سیاه قرار دادن سه صد هزار کارمندان موقتی و یک روزه کمیسیون‌های انتخاباتی که نمی‌توان ادعای ایجاد اصلاحات کرد و کار را تمام شده یافت؛ زیرا مردم میدانند که این اقدام بسیار مسخره و هوایی است. اصلاحات اصلی باید از رأس آغاز شود و مدیران اجرایی و مسوولان در نهادهای انتخاباتی باید در آغاز و اولویت این اصلاحات قرار داشته باشند و اگر قضای مستقل و ملی‌یی وجود می‌داشت، باید به دادگاه کشانده می‌شدند.

اما حالا مردم انتظار دارند تا ریاست‌اجرایی که مسوولیت ایجاد اصلاحات بنیادین در نهادهای انتخاباتی را دارد، دست به چه اقدامی می‌زند و آیا عزمی برای ایجاد اصلاحات در نهادهای انتخاباتی دارد و یا اینکه سرانجام زیر بحث «اجماع سیاسی» زانو می‌زند.



# دنیا پشت این مرد دل‌تنگ خواهد شد!



## پادشاه اردن: داعش پا روی دم شیر گذاشت



پادشاه اردن ضمن اعلام اینکه فیلم سوزانده شدن خلیان اردنی به دست داعش را تماشا نکرده، گفت، این اقدام تبلیغی توخالی است که برای این گروه تروریست نتیجه عکس خواهد داشت. عبدالله دوم، پادشاه اردن در مصاحبه اختصاصی با فرید ذکریا از شبکه خبری سی ان ان گفت، فیلم زنده زنده سوزاندن معاذ الکساسبیه، خلیان اردنی نشان دهنده این بود که داعش پا روی دم شیر گذاشته است.

وی افزود: این فیلم به انگیزه‌ای برای مردم اردن تبدیل شد تا به پا خیزند. در حقیقت فکر می‌کنم وحشی‌گری که داعش در اعدام قهرمان شجاع ما نشان داد، جهان اسلام به ویژه اردنی‌ها و مردم منطقه را شوکه کرد.

پادشاه اردن ادامه داد: اگرچه این فیلم را ندیدم اما متأسفانه عکس‌های منتشر شده از این رویداد را در روزنامه‌ها دیدم و معاون‌هایم که این فیلم را دیده بودند، درباره آن و جزئیاتش به من توضیح دادند. من از این رویداد واقعاً ناراحت هستم و از خانواده این خلیان می‌خواهم تا مرا در غمشان شریک بدانند.

وی گفت: داعش تلاش می‌کند تا نظر زنان و مردان جوان اغفال شده‌ای را که گمان می‌کنند آن‌ها بخشی از یک خلافت هستند، جلب کند. این مساله حقیقت ندارد و در تاریخ ما نیز جایی ندارد.

پادشاه اردن هم‌چنین خواستار واکنشی یکپارچه نسبت به تهدید داعش شد.

وی گفت: من به تمامی رهبران هم در جهان اسلام و عرب و هم در سراسر جهان می‌گویم که این جنگ جهانی سوم است. برای مقابله با آن مسلمانان، مسیحیان و دیگر مذاهب باید با یکدیگر متحد شوند. عبدالله دوم افزود: سه عامل برای مبارزه با داعش وجود دارد، واکنش نظامی، واکنش امنیتی و واکنش ایدئولوژیک.

### مشرف:

## حزب مردم پاکستان و مسلم لیگ شاخه نواز پاکستان را ویران کردند



رییس حزب «مسلم لیگ همه پاکستان» و رییس جمهور سابق این کشور گفت، حزب «مسلم لیگ شاخه نواز» و حزب «مردم پاکستان» پشت سر هم زمام امور کشور را به دست گرفته اما با سیاست‌های نادرستشان کشور را نابود کرده و به تباهی کشانده‌اند.

به گزارش خبرگزاری هند، پرویز مشرف، رییس مسلم لیگ همه پاکستان و رییس جمهوری سابق این کشور گفت، برای ایجاد تغییر جرات لازم است اما اگر تغییری به وجود نیاید، آینده این کشور قطعا در تاریکی گرفتار خواهد بود.

وی افزود: مسلم لیگ پاکستان شاخه نواز و حزب مردم پاکستان سه بار زمام امور کشور را به دست گرفته‌اند اما آنها مردم را ناامید کرده‌اند چرا که تنها به فکر منافع خودشان بودند.

جنرال مشرف ضمن ابراز نگرانی شدید نسبت به امور کنونی دولت در پاکستان گفت، منابع و ظرفیت‌های مختلفی در این کشور وجود دارد اما حاکمان تنها به فساد، غارت و چپاول میدان داده‌اند.

وی افزود: هیچ پروژه ساخت و ساز جدیدی برنامه‌ریزی یا اجرا نشده و متأسفانه پروژه‌های ساخت و سازی که در سال‌های اخیر به راه افتاده بود، ناتمام باقی مانده‌اند. از سوی دیگر وضعیت مردم از بد به بدتر رسیده و آن‌ها به بحران‌های مختلفی از جمله کمبود گاز، آب، برق، تورم، بیکاری، نظم و قانون مواجه هستند.

مشرف ادامه داد، در سال ۲۰۱۳ میلادی به پاکستان بازگشته تا این کشور را از بحران خارج کند اما با ارائه پرونده‌های مختلف علیه‌ش، وی را فاقد صلاحیت اعلام کردند.

وی گفت: به امید نجات مردم و کشور از چالش‌های پیش رو به کشور بازگشتم، من در دوران ریاست جمهوری‌ام از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۶ میلادی پروژه‌های توسعه‌ای متفاوتی را آغاز کرده و مدارس، کالج، دانشگاه و جاده‌های بسیاری را ایجاد کردم.

خوز موخیکا به خوبی آدم‌ها باور دارد و خودش را بهترین نمونه این اعتقاد می‌داند. در غیر این صورت تحمل سال‌ها زندان و به عهده‌گرفتن مسوولیت کشوری بحران‌زده در سن ۷۴ سالگی امکان‌پذیر نبود.

اکنون دوران ریاست جمهوری او به پایان رسیده و طبق قوانین پروگوته انتخاب مجدد او ممکن نیست، دستاوردهای او طی ۵ سال گذشته کم نیستند: پروگوته از آزادترین کشورهای دنیاست.

او به عنوان مارکسیستی معتقد در اواخر دهه شصت میلادی، در صف شورشی‌های توپامارو، مبارزه علیه دیکتاتوری نظامی را آغاز کرد. بعد از بازداشت، بیش از ۱۴ سال را در زندان به سر برد که ۷ سال آن در سلول انفرادی گذشت. در خلال این مدت، یک سال از حمام و سال‌ها از خواندن کتاب محروم بود.

سال ۱۹۸۵ بعد از آزادی از زندان به کار پرورش گل مشغول شد. سال ۲۰۰۵ فعالیت سیاسی خود را به عنوان نماینده مجلس سنا ادامه داد و سال ۲۰۱۰ در سن ۷۴ سالگی با رای مردم رییس جمهور پروگوته شد. او این مقام را روز اول مارچ ۲۰۱۵ در سن ۷۹ سالگی، تحویل رفیق سیاسی‌اش، پزشک متخصص سرطان، تاپاره واسکز می‌دهد.

سگ سه‌پا و فولکس قورباغه‌ای در حیاط خانه‌ی روستایی، بسیار ساده و تقریباً فقیرانه، گاراژی قدیمی و یک گلخانه به چشم می‌خورد. اتاق نشیمن کوچک این خانه ۴۰ مترمربعی پر از کتاب است. او می‌گوید به بیشتر از این نیاز ندارد: «اگه خونه بزرگی با خدمتکار داشتم، دایما نگران بودم که اموالم را نذرند و خیلی راحت نمی‌توانستم لخت برم حمام. این جور زندگی به شکل وحشتناکی پیچیده می‌شد و من نمی‌خوام زندگی پیچیده‌ای داشته باشم - هر کسی باید طوری زندگی کنه که دوست داره.»

و این رهنمود رییس جمهور، شامل علاقه‌مندان مصرف ماری‌جوانا (گراس) هم شد. به عنوان اولین کشور دنیا، پروگوته ماری‌جوانا را قانونی کرد. مکان‌هایی به نام «کلوب ماری‌جوانا» اجازه پرورش حداکثر ۹۹ گلدان شاهدانه را دارند و هر نفر مجاز به مصرف ۴۰ گرم در ماه است. قرار است به زودی، گراس در داروخانه‌ها

هم عرضه شود. گزارش‌های بسیاری در باره زندگی خصوصی او منتشر شده که در دنیای سیاست به گوش نمی‌خورند: او ۹۰ درصد حقوق حدود ۱۲ هزار دلاری‌اش را به سازمان‌های غیرانتفاعی و مردم نهاد می‌بخشد، وسیله رفت و آمدش یک فولکس قورباغه‌یی قدیمی ست و در خانه روستایی و ساده‌یی زندگی می‌کند که به همسرش ارث رسیده و سگی سه پا به نام مانوئلا دارد.

داستان زندگی موخیکا از چنان جذباتی برخوردار است که تا کنون چند فیلم در باره آن ساخته شده است: توپاماروس (راینر هوفمان، هایدی اسپوگونا ۱۹۹۷)، په‌په موخیکا (هایدی اسپوگونا ۲۰۱۴) و فیلم در حال ساخت «آخرین قهرمان» توسط کارگردان معروف بوسنیایی امیر کوستاریتسا.

فیلم مستند «په‌په موخیکا»، او و همسرش «لوسیا توپولانسکی» را در گذار انجام وظایف دولتی و زندگی خصوصی در مزرعه همراهی می‌کند. موخیکا در شرایط مختلف با خونسردی، برخوردی دوستانه و جذباتی آمیخته به شیطنت از عهده کارها برمی‌آید. آرمان‌گرایان خرسند

لوسیا توپولانسکی، همسر موخیکا هم دوران مبارزه چریکی را پشت سر گذاشته است و اکنون عضو مجلس سنا و از سال‌ها پیش همراه و شریک زندگی موخیکا است. لوسیا در دیدگاه‌های سیاسی و به ویژه در مسائل مربوط به زنان، کمی تندتر از همسرش است، در حالیکه موخیکا در نظر اول «بی‌خطر» به نظر می‌رسد.

تنها از چشم‌ها و نگاه موخیکا می‌توان به هوشمندی استثنایی‌اش پی برد و این که در پس ظاهری ساده، مردی پنهان شده که در انتظار فرصتی برای بیان دیدگاه‌هایش است. ظاهر لوسیا اما اراده محکم بانویی را نشان می‌دهد که مخاطب ترجیحا از مخالفت با او پرهیز می‌کند. این دو به شکل کم‌نظیری یکدیگر را تکمیل می‌کنند؛ چیزی که نشانه عشقی عمیق و اهداف مشترک است.

نگاه به زندگی آن‌ها حاوی این پیام است که هنوز هم سرمشق‌ها و آرمان‌گرایی در دنیای سیاست یافت می‌شوند که عمیقاً معتقدند با اعمال خوب، می‌توان و باید دنیا را تغییر داد. و آنها سند زنده این مدعا هستند که

قدرت سیاسی، الزاما به فساد منجر نمی‌شود. سوسیالیسم جدید موخیکا اصلاحات سیاسی بسیاری را به انجام رساند که جزء وعده‌های انتخاباتی او نبودند: بیش از همه حقوق شهروندی لیبرال.

پروگوته، این کشور کوچک ۳،۵ میلیون نفری در مقایسه با دیگر کشورهای آمریکای لاتین، در وضعیت خوبی به‌سر می‌برد. دارای ثبات اقتصادی، تورم تحت کنترل و فقر رو به کاهش است. با این وجود، موخیکا به بعضی از وعده‌های انتخابی‌اش عمل نکرد؛ از جمله مبارزه با جرم و جنایت و اصلاحات وسیع آموزشی.

اینک دولت در حال آماده‌سازی مزرعه‌ای وسیع است تا شرکت‌های خصوصی برای کاشت شاهدانه از آن استفاده کنند. موخیکا می‌گوید: «می‌خواهیم بازار را از دست قاچاقچی‌ها خارج کنیم، چون بدتر از اعتیاد، معاملات غیرقانونی مواد مخدر است.»

این آزمایشی بزرگ برای کشوری کوچک است که تا پیش از این حدود ۷۰ درصد معاملات قاچاق آن شامل ماری‌جوانا می‌شد. این را که او یک قهرمان است یا نه، باید به قضاوت مردم پروگوته سپرد؛ اما می‌توان او را از سرسخت‌ترین و بهترین سیاستمداران دوران کنونی دانست. کسی که از قرار موبایل و کارت بانکی ندارد، بدون کراوات به دیدن باراک اوباما در کاخ سفید رفته و بعد از ملاقات گفته است: «پارچه‌یی کهنه که از گردنم آویزان باشد نشانه هیچ چیزی نیست.» او در مراسم تحلیف خود هم از زدن کراوات امتناع کرده بود.

میراث موخیکا در پایان دوران ریاست جمهوری‌اش نوع جدیدی از سوسیالیسم در امریکای لاتین است که با سازگاری میانه دارد، اما موفق‌تر از نمونه‌های دیگر از آرژانتین تا کوبا بوده است.

هر چند پایان خوش فعالیت مرد خاکی جهان سیاست می‌توانست بازگشت به مزرعه با فولکس قورباغه‌یی در کنار یار و هم‌زمزم دیرین و پرورش گل باشد، اما او در انتخابات دور جدید مجلس سنا در اکتبر ۲۰۱۴ شرکت کرد و نه تنها انتخاب شد، بلکه حزبش هم به اکثریت مطلوبی دست یافت.

## هدف پایگاه‌های موشکی در لهستان و رومانی ایجاد اروپایی باثبات نیست

(ناتو) تاکید کرد: اسناد مذکور شامل اصول مهمی است که تاکید دارد ائتلاف نباید امنیت خود را با استقرار نیروهای دائمی اضافه و نیروهای جنگی چشمگیر حفظ کند. آن همچنین این مساله را بدیهی گرفته است که ناتو قصد استقرار هیچ‌گونه تسلیحات اتمی در کشورهای جدید عضو را ندارد. نهایتاً اینکه در آن اسناد آمده است که روسیه و ناتو یکدیگر را دشمن نمی‌دانند و قصد آسیب رساندن به امنیت یکدیگر را ندارند.

در پی الحاق مجدد شبه جزیره کریمه به خاک روسیه در مارس گذشته و آغاز درگیری‌های داخلی مسلحانه در مناطق ناآرام شرق اوکراین در آوریل، ناتو حضور نظامی خود را در نزدیکی مرز روسیه خصوصاً در حوزه بالتیک تقویت کرد.

چه تاثیری بر روی امنیت ملی ما می‌گذارد. ما تردیدی نداریم که تشکیل پایگاه‌های دفاع موشکی در لهستان و رومانی هدفش ایجاد اروپای باثبات، صلح‌آمیز و متحد نیست و می‌تواند بر امنیت نظامی تاثیر منفی برجای بگذارد.

سفیر روسیه در ناتو همچنین افزود که اقدام بنیادین در رابطه میان روسیه و ناتو همچنان یکی از توافقات اصلی است که ریشه در این درک دارد که امنیت می‌تواند تنها از طریق همکاری افزایش یابد.

الکساندر گوروشکو گفت که در اسناد مذکور همچنین درباره اصول بنیادین روابط روسیه- ناتو از جمله اصول امنیت در جامعه یورو- آتلانتیک نکاتی ذکر شده و آنها غیرقابل تقسیم هستند.

مقام ارشد روسیه در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی

سفیر روسیه در ناتو اعلام کرد، استقرار پایگاه‌های دفاع موشکی در لهستان و رومانی می‌تواند ضربه‌ای جدی به امنیت نظامی باشد و مسکو هدف از ایجاد آن را ثبات نمی‌داند.

به گزارش خبرگزاری اسپوتنیک، «الکساندر گوروشکو»، سفیر روسیه در ناتو گفت که مسکو به صورت مستقل این مساله را ارزیابی می‌کند که قدرت نمایی نظامی ناتو در شرق چگونه بر نگرانی‌های امنیتی روسیه تاثیر می‌گذارد.

وی تاکید کرد: در مدت‌زمان مقتضی، ما پاسخ مناسبی را در رابطه با پیشنهادات مان برای همکاری مشترک بر روی تشریح اصطلاح «نیروهای جنگی چشمگیر» دریافت نکردیم. در چنین شرایطی ما به صورت مستقل تصمیم‌گیری می‌کنیم که این تقویت نظامی ناتو در شرق



بخش نخست

بخش سی و نهم



## موبایل‌ها مضرند

### اما ضرر ندارند!

سعید صباغی‌پور

انسان همواره دست به کارهایی می‌زند که برای سلامتی‌اش خوب نیستند. بسیاری از فعالیت‌های روزمره، خطرات بالقوه قابل توجهی برای ما دارند، اما ما داوطلبانه آن‌ها را انجام می‌دهیم؛ کارهایی که عده‌ی نیز آن‌ها را فعالیت‌های مضر تشخیص می‌دهند و به انجام آن‌ها اقدام نمی‌کنند.

زیاد شنیده‌ایم که موبایل برای سلامتی انسان ضررهایی دارد. سرطان‌زایی، آسیب مغزی و روحی از مضرات این دستگاه‌های شیطانی کوچک معرفی شده‌اند، اما با این حال، مردم بی‌پروا از این ابزارها گاهی برای احمقانه‌ترین کارها استفاده می‌کنند. آیا باید هشدار جدی از سوی دولت‌ها اعلام شود یا حتا به شکلی بی‌رحمانه استفاده از چنین ابزارهایی را غیرقانونی کرد؟

ما کاربران، تا زمانی که شواهدی قانع‌کننده درباره‌ی آسیب‌زایی این دستگاه‌ها نبینیم، دست از آن‌ها برنخواهیم داشت. البته این موضوع به این بستگی دارد که حرف چه کسانی را باور داشته باشیم. دانشمندان، متخصصان پزشکی و افراد حوزه‌های دیگر همواره درباره‌ی این خطرات هشدار داده‌اند، اما مدتی بعد یک سازمان سلامتی اعلام می‌کند نگران نباشید، هیچ خطری شما را تهدید نمی‌کند. این داستان تازه‌گی ندارد؛ یعنی از همان زمانی که تلفون‌های لینی پا به عرصه گذاشتند، شروع شده است. مشکل این‌جاست که امروزه اهمیت دادن به این مسأله، کار دشواری است. گزارش‌های متناقض پزشکی هر روز بیشتر و بیشتر می‌شوند. ما هیچ توجهی به ماجرا نمی‌کنیم و کسانی هم که هشدارهای جدی می‌دهند، معمولاً افرادی هستند که گاهی مطالبی درباره‌ی وضعیت آب و هوا در وبلاگ شخصی خود می‌نویسند. ولی دلیل اصلی اهمیت ندادن به اخبار سلول‌های سرطانی این است که موبایل‌ها امروز به جزیی ارزشمند از زنده‌گی مدرن تبدیل شده‌اند و ما بدون شواهد قطعی و بسیار قانع‌کننده حاضر به ترک آن‌ها نیستیم. اما آیا اصلاً چنین شواهدی هم وجود دارند؟

گوشی‌ها خطر ندارند

اجازه دهید کمی درباره‌ی پژوهش‌های پزشکی در مورد تلفون همراه، به‌ویژه آن‌هایی که در تیرئید گوش‌ها سخن گفته‌اند، حرف بزنیم. در دسامبر ۲۰۱۴ دانشگاه ماساچوست مقاله‌ی منتشر کرد که بر طبق آن میدان‌های مغناطیسی ایجاد شده توسط گوشی و خطوط برق، مشکلی برای سلامتی انسان ندارند. ظاهراً در این تحقیقات نشان داده شده که این میدان‌ها تأثیری بر پروتئین‌های خاص که قبلاً تصور می‌رفت مشکلات زیادی برای سلامتی ایجاد می‌کنند، ندارد.

این شروع خوبی است ولی اجازه دهید کمی به عقب‌تر بازگردیم. در ابتدای سال ۲۰۱۴، جزییات یک پژوهش یازده‌ساله منتشر شد و نتیجه این پژوهش این بود که هیچ شواهدی مبنی بر افزایش خطر ابتلا به سرطان در استفاده از موبایل یافت نشده است.

مطالعه دیگری در اوایل سال ۲۰۱۳ توسط اپیدمیولوژیست‌های دانشگاه آکسفورد با این نتیجه‌گیری به اتمام می‌رسد: «گوشی‌های موبایل ارتباطی با بروز گلیوما، مننژیوم یا سرطان‌های بیرون از سیستم عصبی مرکزی ندارند.» این مطالعه روی بیش از ۷۰۰ هزار نفر صورت گرفته بود.

در پژوهش مهم دیگری در اسکانداویوی و در اوایل ۲۰۱۲ هیچ شواهدی مبنی بر «ایجاد تومورهای مغزی توسط موبایل در طول بیست سال گذشته» به دست نیامد.

در سال ۲۰۱۱ نیز پژوهش گران دنمارکی به مدت ۱۸ سال هیچ ارتباطی با سرطان مغز و تلفون همراه نیافتند.

آخرین مورد این‌که انجمن سرطان آمریکا با هر انتشار مطلبی، از بی‌خطر بودن گوشی‌های همراه سخن گفته و مطالعاتی را معرفی می‌کند که دقیقاً این ادعا را تأیید می‌کنند؛ بسیار عالی و البته قانع‌کننده!

# اندیشه‌های سیاسی در میان مسلمانان



عبد الحفیظ منصور

با او مخالفت نمودند و گفتند: اگر آن‌چه را ما دیده‌ایم استاد ما می‌دید، همین رای یا جدیدتر از آن را بیان می‌کرد. از امام احمد در مورد یک موضوع گاهی هفت رای نقل شده است که دلیل آن، تفاوت احوال و شرایط زمانی و مکانی بوده است. (همان، ۱۶)

نکته‌ی که قرضای به‌درستی روشن نکرده است این‌که: او پیروی از قانون شرع را حکمی اساسی و تغییرناپذیر می‌داند، اما نمی‌گوید قانون شرع کدام است. در بیشتر موارد، مسأله کفر و اسلام مطرح نیست، همه از اسلام و از شریعت حرف می‌زنند، همه اقدام خود را مطابق عدل و موافق شرع می‌خوانند و از مصلحت و خیر مردم سخن می‌گویند، اما معیار درست از نادرست، صحیح از سقیم کدام است؟ چه تفسیری از قرآن به‌جا و چه تفسیری از آن نابه‌جاست؟ چه‌گونه می‌توان هم تصامیم «شورا» را الزامی دانست، آن‌هم از سوی نماینده‌های عوام‌الناس، و هم بالاتر از آن، قانون شرع را قرار داد؟ قانون شرع را چه کس یا کسانی تشخیص می‌دهد؟

وقتی آرای موسسین مذاهب فقهی، در مدت کوتاه حیات‌شان چنان دست‌خوش تغییر و تحول شدند، آیا پس از گذشت سده‌ها، بسیاری از مسایلی که به‌نام بنیاد دین خوانده می‌شوند، به‌بازبینی و بازنگری نیاز نیافته‌اند؟

امرار معاش در حکومت‌های غیر اسلامی وادارد (همان، ۳۱۰) و یا این‌که این کار کردن جزو یک سیاست تدریجی برای بهتر ساختن وضعیت بوده باشد (همان، ۳۱۲)، جواز دارد.

قرضای در مورد این‌که «آیا مسلمانان می‌توانند با یک حکومت غیر اسلامی ائتلاف کنند و شریک قدرت شوند؟» می‌گوید در صورتی این مشارکت درست است که عملی و واقعی باشد، مسلمانان به‌صورت تبلیغاتی و نمایشی حضور نداشته باشند، جانب مقابل به کفر و بیداد بسیار معروف نباشد (همان، ۳۱۵)، و فرد یا گروه مسلمانی که در قدرت سهم می‌شود، دارای استقلال رای و نظر بوده باشد. (همان، ۳۱۶)

قرضای دو پدیده، یکی «تکفیر» و دیگری «فکر و فقه ظاهری» را در جهان اسلام مصیبت‌بار می‌خواند و راه و رسم آن‌ها را از شریعت اسلامی جدا می‌سازد. او در باب نوآوری و نواندیشی در مسایل دینی می‌گوید:

«... امام شافعی در مدت زمان کوتاهی، بسیاری از آرای خود را تغییر داد و دارای آرای قدیم و جدید شد. شاگردان ابوحنیفه در بیش از یک‌سوم آرای مذهبش به‌خاطر تفاوت زمان‌شان با زمان امام ابوحنیفه،

قرضای از رهگذر سیاسی مانند لیبرال‌ها، از برابری قانونی در حکومت اسلامی حرف می‌زند (ص ۸۰)، آزادی‌های دینی را برای غیرمسلمانان محترم می‌شمارد (همان، ۸۳)، آزادی اندیشه و آزادی بیان را در صدر قرار می‌دهد و آن را از تعرض مصون می‌داند (همان، ۸۴) و برای حضور نماینده‌گانی از گروه‌های نامسلمان در پارلمان کشورهای اسلامی مانعی نمی‌بیند (همان، ۳۲۳). قرضای فراتر از آن می‌گوید، در حکومت اسلامی حتا حیوانات نیز دارای حق می‌باشند (همان، ۷۸ و ۸۱). اما از نظر اقتصادی، قرضای به سیاست اقتصادی نزدیک به سوسیالیسم تمایل دارد؛ زیرا گردآوری سرمایه‌های کلان را برای جامعه زیان‌بار می‌بیند، در این مورد نمونه‌هایی از اقدامات عمر فاروق (رض) در باب توزیع دارایی‌های فرماندهان سپاه به مستمندان را نمونه می‌آورد و بر قاعده مالی او - «از کجا آورده‌اید؟» - تأکید زیادی می‌ورزد (همان، ۸۱). قرضای تعدد احزاب سیاسی را در میان مسلمانان پذیرا می‌باشد در صورتی‌که این احزاب از چهارچوب شرع بیرون نباشد (همان، ۱۹۶)، و او به‌سان رهبران سیاسی انقلاب اسلامی ایران، بر اسلامی کردن علوم اجتماعی تأکید می‌کند. (همان، ۱۱۸)

یکی از پرسش‌های عمده در میان مسلمانان این است که «در چه شرایطی در برابر منکرات قیام باید کرد؟» قرضای در این مورد، شرایطی را برمی‌شمارد که عبارت‌اند از: ۱- اتفاق نظر بر حرام بودن آن؛ یعنی این‌که مسأله بسیار جزیی و اختلافی نباشد تا خود موجب مشکلات عدیده دیگر گردد (همان، ۲۵۷). ۲- آشکار بودن منکر؛ منکر نباید پنهانی و دور از دید و قضاوت مردم صورت گرفته باشد. ۳- داشتن توانایی عملی برای اصلاح آن؛ نباید با ناتوانی به مقابله برخاست و در نتیجه جانب‌شر را تشجیع کرد. ۴- عدم نگرانی از منکر بدتر؛ اقدام اصلاحی نباید به‌گونه‌ی باشد که باعث بروز و ظهور منکرات زشت‌تر گردد. (همان، ۲۶۶)

اوضاع کنونی کشورهای اسلامی را قرضای در نظر دارد و با در نظر داشت آن، این بحث را به میان می‌کشد که «در چه شرایطی مسلمانان می‌توانند در حکومت‌های غیرمسلمان کار کنند؟» به عقیده او، اگر کار کردن در حکومت غیر اسلامی اندکی از ظلم و بیداد آن حکومت بکاهد (ص ۳۰۷) و یا ناگزیری‌های زنده‌گی، مسلمانی را به





نویسنده: اسامه القاضی

برگرداننده به فارسی: مهران موحد

بخش دوم

۳- جریان نص گرا / سلفی ها:

پیروان جریان نص گرا - که گاهی از آنها به نام سلفی ها یاد می شود - برعکس باطن گرایان (صوفیان) همواره خرد خود را در محک زدن سند نصوص به کار انداخته اند و خود را یکسره غرق این کار ساخته اند. پیروان این جریان، دشمنی شدیدی با جریان دوم دارند و لقب هایی را از قبیل بدعت گذار و کافر و مشرک به آنان نسبت می دهند.

طرفداران این جریان، انقلابی سفید را برضد بدعت گذاران راه می اندازند و سلاح شان در این مبارزه، تغییر با دست و نیز مطبوعاتی است که مخالفان را به آسانی تکفیر می کند و هر جا باشند به سراغ شان می رود و آنان را از نظر تبلیغاتی قلع و قمع می کند. در نظر آنان، مبتدع، محلی از اعراب در جامعه ندارد. نظرات این ها رنگ و لعاب اعتقادی دارد و به مخالفان در هیچ حالی اجازه مخالفت نمی دهد. رابطه با دیگری از نظر آنان یا «ولاء» و دوستی است و یا «براء» و دشمنی و میان این دو، مرحله دیگری وجود ندارد. از این رو، دعوت اینان همان جهاد مقدس است اما با زبان. البته این انقلاب متن محور، همیشه انقلابی سفید و غیر خشن باقی خواهد ماند تا هنگامی که رژیم سیاسی پیدا شود و آن را به ایدئولوژی حکومت خود مبدل کند و از طریق آن به منافع سیاسی خود دست یابد. در آن صورت، آن نظام سیاسی، این جریان را به انقلابی بودن سوق می دهد تا به بهانه اختلافات عقایدی، خون دیگران را بریزند. قربانیان این رویارویی غالباً مسلمانانی خواهند بود که با شیوه فکری این جریان، مخالف اند.

تفاوت میان جریان خوارجی و جریان متن گرا فقط در میزان انقلابی بودن است. جریان نص گرا به حذف فیز یکی مخالف دست نمی زند ولی از هیچ کاری برای حذف دینی و مردمی مخالف فروگذار نمی کند و مخالف فکری گمراه گمراه ساز خود را مستحق پایین ترین طبقه دوزخ می داند. همه این کارها را به خاطر این می کند که اطمینان یابد که در جنگ مقدس برضد مخالفان، پیروز شده و با انجام دادن این جهاد سفید و غیر خشن به جایگاه بلندی نزد خدا دست یافته چرا که به گمان خودش از برداشت درست از اسلام به دفاع پرداخته است.

هواداران این جریان بر این اعتقادند که اصل در اشیاء، حرام بودن است مگر این که مباح بودن آنها به دلیلی ثابت شود. روی این حساب، باید فرد مسلمان، شمار فراوانی از نصوص را از بر کند تا با استمداد این نصوص همه حرکات و سکنات خویش را اسلامی بسازد و نظر دین را در باره آنها بداند نه این که تنها در مورد مسایل تازه مطرح شده که تکلیف خود را در باره آنها نمی داند دیدگاه دین را بفهمد.

از نظر اینان، امکان گشودن دروازه اجتهاد جز توسط کلبه های پیشینیان وجود ندارد چرا که پیشینیان، این دروازه را بسته اند، پس امکان گشودن آن نیست مگر بسیار به دشواری و مشروط به این که کسی که اجتهاد می کند از راه و روش سلف که هیچ حرفی را برای گفتن به خلف باقی نگذاشته اند عدول و انحراف نوزد و نیز مشروط به این که از ابزارهای نوین معرفتی بدعت آلود یا وارد شده از غرب کافر بهره نگیرد. در نزد این جریان، اجتهاد در عصر حاضر فقط برای این است که ادله تاریخی دانشمندان مذهبی بی را که در زمان خود زندگی کرده اند و نه در روزگار ما، برجسته بسازد و به کار گیرد (با آن که در بسا موارد علمای مذهبی گذشته میان خود در برخورد با حادثه بی واحد و در فهم نصف اختلاف داشته اند). این مجتهد معاصر که کاری جز پیروی از گذشتگان ندارد، اگر می خواهد به مسایل تازه پاسخ ارائه کند چاروبی ندارد جز این که حوادث روی داده در گذشته را برای زمان حال عاریت بگیرد و آن گاه حق اجتهاد را دارد هر چند در این راه مرتکب تاویل نادرست متن شود یا گرفتار افراط در به کارگیری شیوه های قیاس گردد یا این که برای نمونه، ناگزیر شود صحت و حلال بودن ایجاد بانکها و پایه گذاری بازار اوراق بهادار مالی را با استمداد از حادثه بی کوچک که در چهارده سده پیش رخ داده به اثبات برساند یا تکلیف نماز خواندن در هواپیما را بر اساس فتوی فقه حنفی که به نام «مقول فقهی» شهرت یافته و در باره آدمی وارد شده که در هوا نماز می خواند، روشن کند. مجتهد معاصر باید همه تفاوت های تمدنی و تطور دلالت های اصطلاحی و شناختی را به باد فراموش بسپارد و تاریخ مندی حادثه را نادیده بگیرد و به رویدادهای تاریخی بر حسب فهم واقعی تاریخ و اسباب نزول آنها نپردازد. البته در ذیل فهم واقعی تاریخ و اسباب نزول حادثه های تاریخی، شیوه های تولید و مصرف و ارتباطات و فهم معرفتی و نیازهای زندگی در صحرا و میزان پیشرفت تمدن و مهم تر از همه اینها، برداشت مقصد محور متون دینی داخل می شود.

نواسه های فکری ابوالفرج حنبلی (وفات: ۲۴۹۵هـ) - که اعتقاد داشت حتی آن گروه از سلف که در زمانه های فساد آلود می زیسته اند بر خلف برتری دارند - این گفتار را مورد توجه قرار داده اند: «ما به جاهلانی دچار شده ایم که



بر این اعتقاد اند که متأخرانی که در هر باره حرف زده اند و اظهار فضل کرده اند نسبت به همه صحابه برتری دارند.» این شیوه فهم معرفتی کمکی به «شناخت خود» نمی کند و بازسازی و بازفهمی هویت تمدنی با آن درجه از قوتی که لازم است را لازم نمی شمارد بلکه خرد و روان را مجبور می سازد که در زیر سایه عقده گناهی ابدی بزید زیرا این موضوع به سادگی مشخص و واضح است که یک فرد هر قدر که حافظه فراخ داشته باشد

مشخصی کند و هر چیز را تا جایی که مقدر است آن طور که واقعا هست توصیف کند.

از نظر پیروان این جریان، باب اجتهاد، گشوده است و حتی بر کسی که توانایی علمی اجتهاد ورزیدن را دارد واجب است که دست به اجتهاد بزند. اگر چه پیشینیان، مرده ریگ عظیم علمی بی را که پاسخ گوی نیازهای زمانه خودشان بوده به ما به یادگار گذاشته اند، اما فرد مسلمان معاصر و مجتهد امروزی باید در جستجوی چیزهای تازه ای باشد که برای جامعه اسلامی سود می رساند و برای مشکلات امروزی، راه حل های خلاقانه ای را با در نظر داشت نصوص و مقاصد شرع پیشنهاد می دهد و از گفته های سلف بهره گیری کند اما اندیشه را لگام نزند و بپذیرد که مجتهد امروزی، میدان فراخی برای جولان گیری دارد و حق دارد دیدگاه های گذشتگان را به نظرش درست نیامدند نپذیرد.

طرف داران این جریان، غالباً مشکلی در آمیزش

# تبارشناسی فکری رایج در جریان های بهمان اسلام

نمی توانند

نصوص حفظ شده

را بر شمار سرسام آوری از تحولات اقتصادی و دگرگونی های فلسفی در عرصه های سیاست و جامعه و علوم انسانی و تکنولوژی و فلک شناسی و پزشکی، تطبیق کند.

۴- جریان معتدل / میانه رو / مقاصدی:

قطب نمای معرفتی این جریان، متوجه درک اهداف شریعت و کندوکاو در باب علل احکام برای رسیدن به کنه مقصد شارع است. این قاعده معرفت شناسانه را این سخن این رشد (۲۰-۵۹۵هـ) در کتاب «فصل المقال» به خوبی بیان می کند: «همان گونه که معقول بودن در علوم طبیعی و الهیات فلسفی استوار بر اصل سببیت است، معقول بودن در احکام شرع هم مبتنی بر قصد و غرض شارع است. از این رو، باید استدلال در دین بنیاد گذاشته شود و در نتیجه، برای اثبات ظاهر عقایدی که شارع، مردم را به پذیرش آنها ترغیب کرده برهان و دلیل اقامه شود.»

هواداران این جریان، غالباً توجه شان را متمرکز بر الگوسازی و عرضه نمونه های شایسته به منظور دعوت به اسلام می سازند، خواه دعوت به اسلام به گونه گفتاری باشد یا به صورت نوشتاری. این ها می خواهند اهداف خود را از راه گفتگو با جریان های دیگر در تلاشی جدی برای «شناخت شخصیت تمدنی» خویش و با درک و تأکید بر وجود مشترکات با دیگر جریان ها به دست بیاورند.

منابع شناخت در نزد این جریان در حوزه خاصی منحصر نیست و تنها به سنت اتکا ندارد بلکه پیروان این جریان همیشه می کوشند تاریخ را به درستی درک کنند و نوشته های امروزی را بخوانند و گفتگمانی اسلامی با بهره گیری از ابزارهای معرفتی اسلامی که با مقتضیات زندگی معاصر سازگار باشد تولید کنند، گفتگمانی که در پی طرد دیگران و به طریق اولی در صدد حذف فیزیکی مخالفان به شیوه خوارج نیست و دانش های نوین را به عنوان محصول روزگار معاصر که جنبه های مثبت فراوانی دارد هر چند از جنبه های منفی و کاستی ها مبرا نیست می شناسد. این جریان می خواهد با روحیه ای تجدیدگرا با همه جریان های دیگر اعم از اسلامی و غیر اسلامی وارد گفتگویی جدی و سازنده شود و می کوشد از انحراف دور باشد و از منسوب کردن لقب های غیر علمی و آکنده از احساسات و عواطف به دیگران بپرهیزد، در عین حالی که تلاش می کند نقاط اختلاف و اشتراک خود با قلمروهای معرفتی دیگر را

جنبه های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی آن به شکل واقعی و درست می تواند بازسازی کند و بهانه بی برای هیچ کسی اعم از شخص عادی یا حاکم مستبد برای پیروی نکردن از روش سلف (صحابه و تابعین) به دلیل این که او نمی تواند مثل آنها فرشته وار زندگی کند و خود را به مقام آنها برساند باقی نمی ماند. این تصویر فرشته گونه و نامعقول و متضاد با واقعیت های تاریخی جامعه ها و دانشمندان و شخصیت های بزرگ در تاریخ ما به جای این که مسلمانان را به تاریخ شان نزدیک تر بسازد از آن دورشان می گرداند. پیروان این جریان، بر این اعتقاد اند که مورد توجه قرار دادن سیاق تاریخی و مطرح کردن مسایل تاریخی بدون تصویر آن به صورت رماتیکی و به شکل تاریخ فرشتگان، نسل های حال حاضر و آینده مسلمانان را به تاریخ شان بیشتر آشنا و نزدیک می کند و باعث خواهد آمد که مسلمانان از تاریخ خود تجربه بیاموزند.

کسانی که در زیر سایه این جریان نشو و نما کرده اند به فلسفه «جایگزین ها» باور دارند. آنها هیچ وقت در حرام دانستن اشیاء شتاب نمی ورزند تا وقتی که برای آنها بدیل های واقعی و شرعی پیدا نکنند و اگر چنین بدیل هایی وجود نداشته باشد از متصدیان امور کشوری می خواهند این بدیل ها را برای مردم فراهم کنند و در آن هنگام، احساس تقصیر و گناه از مردم معمولی به صاحبان قدرت منتقل می شود چرا که نتوانسته اند زمینه کارهای حلال را برای مردم فراهم کنند و از این رو، مردم به حرام روی آورده اند. در نتیجه، «عقده گناه» به گونه شرعی از مردم به متولیان امور کشوری منتقل می شود، آثانی که از دیر باز از دیدن چنین صحنه ای محروم بوده اند زیرا قدرت مندان عادت داشته اند این گمان را در میان مردم دامن بزنند که همه مصیبت ها و گناهی که مردم گرفتار آنها می شوند تقصیر خودشان است و صاحبان قدرت در این زمینه هیچ قصوری ندارند. برخی از واعظان منابر هم که با ناآگاهان یا مزدور قدرت مندان، این احساس را در میان مردم نهادینه تر می کنند. در نتیجه زرفا یافتن چنین روحیه ای در میان مردم، وام گرفتن با سود از بانک های دولتی به منظور خریدن خانه بی رهائشی علتش تباهی دین و دنیا است و تنها راه حل آن، بازگشت شهروند به خداوند و فرو گذاشتن حرام است و راه حل آن، فشار وارد کردن بر حکومت به خاطر باز کردن بانک های اسلامی یا دست کم اجازه فعالیت دادن به آنها نیست. علت بحران اقتصادی هم افزایش جمعیت یا دوری از خدا (ج) است نه توزیع ناعادلانه ثروت و در انحصار منابع سرمایه توسط سلطه محلی یا جهانی. نیز سبب گسترش یافتن فساد اداری، افزایش شمار رشوت ستانان و مردمان ضعیف النفسی است که از آموزه های اسلامی دور مانده اند. نه کم بودن حقوق ماهیانه کارمندان دولتی و گسترش یافتن آموزش دینی در میان مردم و سرکوب افراد آگاه و خیر خواه کشور و رواج یافتن تبعیض و واسطه گری که مسؤولیت اصلی آن بر دوش حاکم مستبد است که با ترویج این پدیده ها جامعه را به تباهی کشانده است.

درمان جامعه بیمار نه به کشتن جامعه بیمار صورت می پذیرد و نه زیاده روی در تحقیر و خوارداشتن خویشن بلکه تنها با تشخیص بیماری و با جرأت معرفی کردن آن، در عین حالی که روحیه اصلاح گری برای شناخت خویشن وجود داشته باشد.

برای کسانی که وابسته به این مشرب جهان نمی بینند، همزمان با این که در برابر محور شدن شخصیت تمدنی خویش و نابود شدن هویت شان به بهانه جهانی شدن یا پیروی مغلوب از غالب مقاومت به خرج می دهند. از آن بالاتر، جهانی شدن را مرحله دیگری می دانند برای جستجوی نقشی تمدن ساز؛ مرحله ای که در آن، مردم جهان از مسلمانان انتظار دارند که نقش آفرینی کنند و سهم خود را از پیشرفت و توسعه ادا کنند با وجود آن که در حال حاضر، مسلمانان در پایین فهرست تولید تمدنی قرار دارند. پیروان این جریان، برای دست یافتن به اهداف یاد شده تلاش می کنند اما نه از راه رسوخ دادن عقده تمدنی در نهاد خود بلکه از طریق اشاره به بیماری های معرفتی و شبهات نادرست فکری بی که مسلمانان به آنها گرفتارند تا بدین وسیله از آنها پرهیز صورت بگیرد و برای شفا یافتن از این بیماری ها داروهای معرفتی لازم تجویز شود اگر چه خوردن این داروها گاهی تلخ باشد. به قول قدماء، «هر تلخی شفاست.»

هواداران این جریان، این نکته را متذکر می شوند که برای پیروان جریان نص گرا و جریان باطن گرا [و] از باب اولی برای هواخواهان جریان خوارجی - بسیار دشوار است که این اندیشه را هضم کنند که تاریخ ما فهرست درازی از شخصیت های با عظمت را در خود جای داده ولی این تاریخ سازان، فرشته نبوده اند و اشتباهاتی مرتکب شده اند، چه در زمینه روش و چه در عرصه اجرا و چه در حوزه برنامه. اگر ما بتوانیم این موضوع را بسط بیشتر دهیم در آن صورت، تاریخ ما صبغیه انسانی به خود خواهد گرفت و قدسیت فرشتگانه از آن گرفته خواهد شد و در آن صورت، پژوهش گر می تواند در تعامل با تاریخ، احساس راحتی کند و مهم تر از همه این که می تواند از اشتباهاتی که از گذشتگان سر زده پرهیز کند (مسلمانا مرتکب شدن اشتباه، مقام و منزلت سلف را پایین نمی آورد) و پروژه اسلامی را با همه

این جریان به مسدود بودن باب اجتهاد هیچ اعتقادی ندارد و این سخن شوکانی (۱۱۷۳-۱۲۵۰هـ) را مد نظر قرار می دهد که گفته است: «ناممکن بودن یا دشوار بودن وجود مجتهد پس از سده ششم هجری قمری، سخنی بی مایه و قصه بی سخیف است که خبر از تباہ شدن شریعت می دهد... خداوند بر پیشینیان (خلف) به همان اندازه فضل و احسان کرده که بر پیشینیان (سلف)». شوکانی این سخن را در پاسخ به آثانی نوشته که مدعی بوده اند سلف زمینه دانش و فهم دین، بر ما برتری دارند و ما باید از آنها پیروی کنیم.



# توفان و برفباری بار دیگر بخش‌هایی از پنجشیر را تهدید می‌کند

هارون مجیدی

بخش‌هایی از ولایت پنجشیر شب گذشته بار دیگر شاهد برفباری‌ها و توفان‌های شدید بوده است. باشندگان ولسوالی‌های پریان و خاواک این ولایت به روزنامه‌ماندگار گفته‌اند که نگران هستند برفباری جدید سبب برف‌کوچ‌های دیگر شود و زنده‌گی ساکنان مردم این مناطق را به خطر جدی مواجه سازد و تلفات بیشتری را به بار آورد.

مردم پریان می‌گویند که پس از برف‌کوچ‌های هفته گذشته که دست‌کم جان ۲۰۰ تن را در این ولسوالی و بخش‌های دیگر گرفت، حکومت و نهادهای خیریه توجه لازم به حال آن‌ها نکرده است.

این درحالی است راه‌های منتهی به ولسوالی پریان و ولسوالی دره و مناطقی در حصه اول ولایت پنجشیر، همچنان مسدود است.

مقام‌های محلی از تلاش‌ها در زمینه پاک‌سازی جاده‌های منتهی به این مناطق خبر می‌دهند. اما شماری از اعضای جامعه مدنی که طی دو روز اخیر به ولایت پنجشیر سفر کرده‌اند، می‌گویند که کار برای پاک‌سازی جاده‌ها بسیار کند است و مردم با مشکلات زیادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

این اظهارات درحالی صورت می‌گیرد که رییس جمهوری از اداره‌های دولتی و نهادهای داخلی و بین‌المللی خواست که از هیچ کمکی در راستای نجات مردم این ولایت و مناطق دیگر زیر تهدید دریغ نکنند.

رییس مبارزه با حوادث طبیعی ولایت پنجشیر می‌گوید که آنان به شدت کار دارند تا ۳۰ کیلومتر راه دیگر تا ولسوالی پریان را از برف پاک کنند.

حمیدالله بخشی به روزنامه‌ماندگار گفت که بخش‌هایی از جاده‌های عمومی را در این ولایت پاک‌سازی کرده‌اند، اما تلاش‌های آنان برای پاک

## مسوولان کمیسیون‌ها برف بام...

این افراد تصمیم خواهد گرفت و در صورتی که از اتهامات دفاع نکنند، در راپور نهایی در جمع کسانی قرار خواهند گرفت که در پروسه های انتخاباتی حق کار کردن ندارند.

انتخابات بی‌نتیجه انتخابات ریاست جمهوری افغانستان زمانی جنجالی شد که یکی از دو نامزد در این انتخابات نتایج را نپذیرفت و اسناد تقلب انتخاباتی را در اختیار رسانه‌ها قرار داد. نشر این اسناد اعتبار انتخابات را زیر سوال برد و رییس جمهور افغانستان نه در نتیجه انتخابات بلکه در اثر تلاش‌های سیاسی ایالات متحده امریکا و ملل متحد مشخص شد.

با این هم در بررسی کمیسیون شکایات انتخاباتی هیچ نامی از مقام‌های ارشد کمیسیون انتخابات که در تقلب‌های انتخاباتی دست داشتند دیده نمی‌شود. سخنگوی کمیسیون شکایات انتخاباتی

## تلاش‌ها برای جلب توجه...

مزمل شینواری معین و سرپرست وزارت تجارت گفت: «سرمایه‌گذاران نسبت مشکلات امنیتی نمی‌خواهند که در ولایات‌های دور افتاده سرمایه‌گذاری کنند و وزارت تجارت بر اساس این تفاهنامه زمینه را فراهم می‌سازد که چگونه سرمایه‌گذاران در پارک‌های صنعتی شهر جدید کابل سرمایه‌گذاری نمایند.»

۵ پارک صنعتی معیاری در شهر جدید کابل ساخته می‌شود.

الهام عمر هوتکی معاون اداره انکشاف شهر جدید کابل گفت: «بخش اول پارک صنعتی شهر جدید کابل در مساحت ۲۵۰۰ جریب زمین احداث می‌شود که ظرفیت حدود دو میلیارد دالر سرمایه‌گذاری را دارد.»

کاری بخش‌های دیگر ادامه دارد.

آقای بخشی می‌گوید که ضخامت برف در ساحات کوتل تل، خاواک، آریب و مسیر راه تا ولسوالی پریان به پنجاه متر می‌رسد و پاک‌کاری آنان تا یک هفته دیگر ادامه خواهد داشت. او گفت: تیم کاری سالنگ‌ها برای پاک‌کاری جاده‌های پنجشیر نیز اعلام آماده‌گی کرده‌اند.

رییس اداره مبارزه با حوادث طبیعی ولایت پنجشیر از سرازیر شدن برف‌کوچ تازه در منطقه آریب این ولایت خبر داده گفت که در نتیجه این برف‌کوچ شش تن جان باخته و شش تن دیگر زخمی شده اند.

او گفت: مسوولان در این منطقه گفته‌اند که ۳۰ خانواده در این ساحه زنده‌گی می‌کنند و قرار است این خانواده‌ها ذریعه چرخبال به مرکز ولایت انتقال داده شوند.

رییس اداره مبارزه با حوادث طبیعی ولایت پنجشیر می‌گوید که احتمال برف‌کوچ‌های دیگر نیز در این ولایت متصور است و مقامات می‌گویند تا مردم را از ساحات زیر خطر به مرکز ولایت و کابل و جاهای امن دیگر انتقال دهند.

او می‌افزاید: تا حال تنها یک طبقه برف رانش کرده و چند طبقه دیگر تا هنوز وجود دارد و ساحات خاواک و آریب بیشتر زیر تهدید برف‌کوچ‌های احتمالی قرار دارد.

آقای بخشی اما می‌گوید که آنان تلاش دارند تا در صورت نیاز چند برف‌کوچ مصنوعی را اجرا کنند تا خطر رفع شود.

رییس اداره مبارزه با حوادث طبیعی ولایت پنجشیر پاک‌کاری راه را از عمده‌ترین خواست‌های مردم در ولایت پنجشیر گفته، می‌افزاید: نیازمندی دیگر مردم غذا و لباس‌های گرم است. تقاضای کمک به آسیب دیده‌گان

گفت اتهام‌هایی که علیه برخی از مقام‌های رهبری کمیسیون انتخابات وجود دارد، هنوز از سوی هیچ مرجع رسمی بررسی نشده است.

**آقای محسنی گفت صداهایی که از آن‌ها به عنوان اسناد تقلب یاد می‌شود در اختیار سازمان ملل متحد و امنیت ملی افغانستان گذاشته شدند تا درست بودن آن‌ها تایید شود ولی یوناما از این کار سر باز زد و امنیت ملی نیز در این مورد تحقیقی انجام نداد.**

محسنی گفت: «دسته دوم افرادی اند که در روزهای آینده از کار برکنار شوند و تصمیم گرفته شود تا در لیست سیاه شامل شوند و حق کار کردن در انتخابات را نداشته باشند.»

**سخنگوی کمیسیون شکایات انتخاباتی گفت مسایل جرمی انتخاباتی باید توسط نهادهای عدلی و قضایی پی گیری شود و براساس قانون این کمیسیون صلاحیت رسیدگی به جنبه های جرمی تخطی‌های انتخاباتی را ندارد.** این در حالیست که نهادهای مدنی انتخاباتی

رییس جمهور غنی در سخنرانی تلویزیونی خود خواهان کمک جامعه جهانی به ولایت‌های آسیب دیده کشور شد.

رییس جمهور می‌گوید که خسارات سنگین به ولایت پنجشیر وارد شده است و ضرورت آن می‌رود که مردم و بازرگانان کمک مالی کنند.

رییس جمهور غنی می‌گوید، که وقوع حوادث مشابه در ولایت دیگر کشور قابل پیش‌بینی است. آقای غنی می‌گوید که او به خاطر حوادث طبیعی اخیر در کشور، سفرش به ایران را به تعویق انداخت و هم‌چنان صندوق امداد را برای کمک به آسیب دیده‌گان ایجاد کرد.

ریاست جمهوری افغانستان در حال ارزیابی خسارات وارد شده در ولایات کشور است تا اقدامات فوری را روی دست گیرد.

محمد اشرف غنی رییس جمهوری کشور می‌گوید که خطر هنوز هم محسوس است. او می‌افزاید که سالنگ‌ها در خطر است و برای رفع آن توجه عمیق صورت بگیرد.

دعا و فاتحه‌خوانی برای قربانیان روز یک شنبه، به یاد قربانیان رویدادهای طبیعی اخیر در کشور، مراسم دعاخوانی و فاتحه در کابل و شماری از ولایات دیگر برگزار شد.

در این مراسم، به شمول رییس‌جمهور، رییس اجرایی و مقام‌های ارشد حکومت، صدها هزار تن از شهروندان کشور نیز اشتراک ورزیدند. برف‌کوچ و توفان‌های شدید، نزدیک به ۳۰۰ تن را در شماری از ولایت‌ها کشت و خسارات هنگفتی برجا گذاشت.

فرف‌باری‌های اخیر در ولایت‌های مرکزی از جمله در پنجشیر در چند دهه پسین بی‌سابقه خوانده شده است.

در تلاشند تا حکومت وحدت ملی اصلاحات بنیادی را در کمیسیون‌های انتخاباتی وارد کند تا اعتبار کمیسیون انتخابات دوباره به دست آید. نهادهای مدنی می‌گویند در نتیجه تقلب گسترده در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴ جایگاه کمیسیون های انتخاباتی نزد مردم زیر سوال رفت و در صورتی که همین کمیسیون ها انتخابات پارلمانی را برگزار کنند، ضمانتی برای شفافیت وجود نخواهد داشت و مردم نیز در انتخابات شرکت نخواهند کرد. اما برخی از نهادهای مدنی و منتقدان میگویند که این اقدام کمیسیون شکایات یک بازی سیاسی است که به هدف پوشاندن چهره کسانی صورت گرفته است که انتخابات را مهندسی کرده بودند. یه گفته آنان کمیسیون شکایات با این اقدام ها می خواهد که جلو اصلاحات اساسی و واقعی را در کمیسیون ها بگیرد. منتقدان می گویند که رهبری و ستون های اجرایی کمیسیون های انتخاباتی در سامان دادن تقلب ها دست داشته اند و باید از کار برکنار شوند.

پیش از این، برخی زورمندان می‌خواستند سد راه این پروژه شوند و ادعا داشتند که این پروژه بر سر ملکیت‌های شخصی آنان ساخته می‌شود.

آقای پشتون خاطرنشان کرد: حدود ۶۰ درصد این مشکل از طریق شوراهای مردمی حل شده است؛ اما هم اکنون نیز برخی‌ها با استفاده از زور تلاش دارند که این پروژه به ثمر نرسد.

او، برعلاوه مشکلات ملکیت و کارشکنی زورمندان، نبود ظرفیت ساختمانی را در کشور از مشکلات اساسی پروژه انکشاف شهر جدید کابل عنوان کرد. پروژه انکشاف شهر جدید کابل که از حدود ده سال قبل آغاز شده و به گفته مسوولان، ساخت کامل این پروژه، حدود ۳۰ سال را در برخواهد گرفت.

هم اکنون کارهای زیربنایی این پروژه جریان دارد و تاهنوز کار عملی آن آغاز نشده است.

## در عملیات ذوالفقار تلفات...

داخله روز یکشنبه ۱۰ حوت ۱۳۹۳ در یک کن-فرانس خبری در کابل گفت صدها حلقه ماین در این عملیات خنثی شده اند.

آقای صدیقی گفت کار و فعالیت روزانه مردم در ولسوالی سنگین آغاز شده و دوکان‌هایی که پیش از این مسدود بودند، دوباره بازگشایی شده اند. او گفت که در این عملیات همه سنگرها و مخفی گاه های طالبان که از آن‌ها به منظور حمله بر نیروهای امنیتی استفاده می‌شد، تخریب شده است: «ساحاتی که در ولسوالی سنگین تصفیه شده، ساحاتی بوده که موضع های مخالفین بوده و مناطقی بلندی بودند که مخالفین می‌خواستند از این مناطق بر نیروهای امنیتی حمله کنند.»

قرار است عملیات ذوالفقار در ولسوالی‌های دیگر هلمند نیز گسترش یابد. نیروهای امنیتی تصمیم دارند این عملیات را در ولسوالی های موسی قلعه، کجکی و نوزاد آغاز کنند و این ولسوالی ها را از وجود طالبان پاکسازی نمایند.

سرنوشت گروگان‌ها وزارت داخله می‌گوید پولیس همه تدابیر خود را برای نجات جان ۳۱ تن از مسافرانی که روز دوشنبه هفته گذشته در منطقه شاه جوی ولایت زابل ربوده شدند، گرفته است.

پس از این گروگان گیری، هیات‌هایی متشکل از موسفیدان محلی از ولایت زابل و ولسوالی جاغوری برای رهایی گروگان‌ها دست به کار شدند و برای چانه زنی به ولسوالی خاک افغان ولایت زابل رفتند. خاک افغان یکی از ولسوالی های دور افتاده ولایت زابل است که نیروهای دولتی در آن حضور ندارند.

تلاش‌های چندین روزه این هیات‌ها به نتیجه‌یی نرسیده است. طالبان محلی گفته اند که این گروگان گیری کار جنگجویان خارجی است و این گروه در آن نقشی ندارد. هیات‌هایی که به خاک افغان رفته اند، قادر به گفتگو با گروگان گیران و یا دیدار با گروگان ها نشده اند.

اما آقای صدیقی اطمینان داد که این قضیه به شدت زیرنظر قرار دارد و همه تلاش‌ها برای حفظ جان گروگان‌ها متمرکز شده است: «متأسفانه در حالی نیستیم که برای شما جزئیات را بگویم، بخاطری که ارائه جزئیات می‌تواند عواقبی داشته باشد. به همین خاطر ما بیشتر توجه ما را روی نجات این افراد متمرکز کرده ایم.»

آمادگی‌های بهاری نیروهای امنیتی افغانستان در بهار سال ۲۰۱۵ آزمون بزرگی در پیش رو دارند. قرار است برای اولین بار نیروهای داخلی به تنهایی در برابر طالبان بجنگند و از افغانستان دفاع کنند. نیروهای ناتو که پیش از این در صفوف مقدم جنگ قرار داشتند، پس از این تنها نقش آموزشی و مشوره دهی دارند.

رئیس جمهور غنی گفته است که بیشترین وقتش را به منظور بهبود امنیت سپری می‌کند. طالبان در بهار هرسال عملیات‌هایی را آغاز می‌کنند و در برخی از مناطق افغانستان جنگ‌های جبهه‌ای به راه می‌اندازند. از همین رو نیروهای امنیتی افغانستان ترجیح داده اند که منتظر طالبان ننشینند و خود کنترل اوضاع را در دست گیرند. مقام‌های امنیتی می‌گویند پیش از این که طالبان حملات شان را آغاز کنند، نیروهای امنیتی ابتکار عمل را در دست گرفته و تعرضی عمل می‌کنند.

آقای صدیقی گفت علاوه بر عملیات ذوالفقار، در ۱۲ ولایت دیگر نیز عملیات پاکسازی جریان دارد: «عملیات های کوچک و بزرگ دیگری را نیز به راه انداخته ایم تا تهدیدات را دور کنیم. ما آمادگی های خود را در تناسب با تهدیدات گرفته ایم.»

سخنگوی وزارت داخله گفت فعالیت‌های جنگجویان «دولت اسلامی» یا داعش با جدیت دنبال می‌شود و ولایات فراه، هلمند، ارزگان، قندهار و فاریاب زیر زره بین پولیس است تا از فعالیت این گروه در این ولایات جلوگیری کند.

# تاکتیک‌های سود آور؛ رویکرد جدید طالبان

علی پارسا

این روزها داعیه حضور داعش در افغانستان، بیش از هر تهدید دیگری اذهان جامعه را به خود مشغول داشته است. با وجود این، امر مسلم این است که این داعها فقط ناشی از حرکت‌های پراکنده و بیعت‌های کم‌رنگی است که گاه‌گاهی در ولایت‌های مختلف نامن کشور صورت می‌گیرد. در اینکه داعش امروز در افغانستان همان طالب دیروز است که رنگ بدل کرده، هیچ شکی نیست. این جامه بدل کردن‌های از روی ناچاری، به صورت واضح نشان از ناکامی پروژه طالب در افغانستان است؛ طالبان در این ۱۳ سال نه تنها دستاورد قابل ملاحظه‌ای سیاسی نداشتند که از نظر اجتماعی هم قافیه را بیش از پیش باختند و به عنوان نیروی هراس‌افکن منفوری پیش چشم مردم ظاهر شدند.

حاصل اینکه یدک کشیدن این عنوان ناکام و نامراد حالا دیگر برای سران این گروه هم سنگینی می‌کند و از سوی دیگر وسوسه عنوان پزیر و پزیرگروهی که حالا در عراق و سوریه برای جهان در دسترس شده هم بهانه خوبی برای رنگ بدل کردن آنها شده است. با این اوصاف اما نگاه مردم به این مردان سیاه و سفید چیزی جز همان بیت شعر مشهور «به هر رنگی که می‌خواهی جامه می‌پوش // من از طرز خرامت می‌شناسم» نبوده و نیست. تحرکات اخیر هم که این «اشباح سیاه» در برخی از ولایات و ولسوالی‌های کشور داشته‌اند، نشانگر هیچ تهدید بالفعل جدیدی نیست. آنهایی که دیروز با لباس و نقاب و بیرق سفید به هراس‌افکنی در کشور مشغول بودند، حالا با رنگ سیاه ملبس شده و خودنمایی

می‌کنند. در نتیجه باید گفت که نام و عنوان داعش در افغانستان برخلاف بازتاب‌های گسترده‌ای که یافته، به تنهایی تهدید امنیتی خاصی تلقی نمی‌شود. از سوی دیگر، احتمال اعزام نیرو به افغانستان هم از سوی داعش تا اندازه بسیاری منتفی است. با توجه به ائتلاف گسترده‌ای که علیه داعش شکل گرفته و با عطف به نبردهای بسیاری که داعش این روزها با آن مواجه است، به نظر می‌رسد که احتمال فرستادن بخشی از نیروهای این گروه به افغانستان، نابخردانه‌ترین تصمیم ممکن از سوی این گروه می‌تواند باشد. به خصوص پس از شکست سخت داعش در کوبانی، به قطع می‌توان گفت که این گروه هیچ میلی به حرکت‌های فراسرزمینی از خود نشان نخواهد داد. به علاوه، حضور داعش در یک محدوده خاص جغرافیایی و تاسیس دولت خودخوانده امارت اسلامی در عراق و شام، خود نشاندهنده نگاه واقع‌بینانه این گروه به دولت مدرن که مولفه سرزمین یکی از اجزای لاینفک آن است، می‌باشد. داعش برخلاف گروه‌های تروریستی اسلاف خود نظیر القاعده، هرگز در پی تاسیس یک شبکه فراگیر جهانی در سایه نبوده و نیست؛ بلکه ایده‌آل آن، گسترش تدریجی دامنه امارت خود به سرزمین‌های شمال و جنوب، و شرق و غرب است که البته افغانستان و ایران امروزی را هم تحت عنوان سرزمین خوراسان شامل می‌شود. در نتیجه باید گفت که از این منظر هم حضور داعش تهدید جدی‌یی برای امنیت افغانستان نبوده و نیست. آنچه اما زیر آوار شایعات و زنگ خطرها مخفی مانده، رویه پنهان تهدید غیرمستقیم داعش در افغانستان است که

در دو مقوله «ایدئولوژی» و «تاکتیک» قابل بررسی است. اگر براساس این تحلیل بپذیریم که امکان حضور فیزیکی جنگجویان داعش در افغانستان حداقل تا اطلاع ثانوی منتفی است و هر آن صدایی که این روزها به نام داعش شنیده می‌شود، چیزی جز جامه بدل کردن همان طالبان دیروز نیست، اما نمی‌توان از تهدیدات غیرمستقیم داعش غافل شد. داعش به عنوان نیروی جنگی افراط‌گرایی که از عراق و سوریه سر برآورد، در کنار حضور فیزیکی و سخت‌افزاری خود، «ایدئولوژی» و «تاکتیک»‌های منحصر به فردی را هم خلق کرد. ایدئولوژی داعش در روزگاری که حرکت‌های بنیادگرایانه به شدت به حاشیه رفته بودند، به عنوان روزنه امیدی برای همه بنیادگرایان ظهور کرد. از سوی دیگر تاکتیک‌هایی مانند ذبح کردن و به آتش کشیدن مخالفان یا گروه‌های تاکتیکی و تخریب مجسمه‌های تاریخی را که این گروه در راستای ایدئولوژی خود به کار بستند هم از آنجا که به صورت سازمان‌یافته صورت گرفت و بازتاب وسیعی یافت، مهم ارزیابی شد و به این ترتیب دستاویز جدیدی برای افراط‌گرایان فراهم کرد.

این دو مولفه «ایدئولوژی» و «تاکتیک» با بازتاب‌های گسترده‌ای که یافتند، دیگر محاط به جغرافیای داعش نماند و به زودی در همه جا نفوذ کرد؛ چنانچه حمله به نشریه فرانسوی شارلی ابدو هم نشان از جهانی شدن این دو محصول داعشی بوده است. در افغانستان هم در حقیقت همین دو عنصر می‌تواند به عنوان عمده‌ترین تهدیدات به ارث رسیده از داعش تلقی شود. حمله گروهی مهاجمانی که خود را در بیعت با داعش

عنوان کرده بودند به ولسوالی چرخ ولایت لوگر و سوزاندن زیارتگاه‌های تاریخی و مساجد و شکستادن تلویزیون‌های ساکنان از اولین مواردی است که نشانگر نفوذ ایدئولوژی و تاکتیکی هواداران داعش در افغانستان است. رویداد مهم دیگری که طی آن ۳۱ تن از مسافران هزاره شاهراه قندهار-کابل در ولسوالی شاه‌جوی ولایت زابل توسط نقاب‌داران سیاه‌پوش ربوده شدند هم هرچند شاید ربط مستقیمی به پدیده داعش در افغانستان نداشته باشد، اما به وضوح بیانگر تاکتیکی است این روزها همه آن را از چشم داعش می‌بینند. گروه‌های آدم‌ربایی یکی از تاکتیک‌های اساسی داعش برای ایجاد رعب و وحشت در افکار عمومی از یکسو و بلند بردن توان چانه‌زنی از سوی دیگر است. هرچند پیش از این هم آدم‌ربایی پدیده‌ای بیگانه در جغرافیای افغانستان نبود، اما شواهد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد این حرکت به نحوی از ایدئولوژی و تاکتیک‌های بدیع داعش الگو گرفته است.

به این ترتیب دیده می‌شود که اولاً مساله اصلی در افغانستان، حضور پرابهام داعش نیست؛ بلکه واقعیت اصلی، تداوم گروه‌های افراطی بنیادگرایی است که در هر قالب و رنگی می‌توانند عرض اندام کنند. از سوی دیگر اثری که داعش بر این روند افراط‌گرایی می‌گذارد، بیشتر الگوسازی و تغذیه آنها در عرصه‌های ایدئولوژیکی و تاکتیکی است. در نتیجه باید به جای بازی با نام‌ها و عنوان‌ها در صدد راهکاری برای مبارزه با افراط‌گرایی در کشور و گرفتن ابتکار عمل برای مقابله با این تاکتیک‌های هراس‌افکنانه وارداتی است.

## وضعیت در پنجشیر چگونه است؟

### گزارش یکی از نهادهای مدنی

آثار حکیمی

جمعه ۸ حوت / اسفند، با جمعی از دوستان از اعضای انجمن خراسانیان، با مقداری دارو و کمک‌های اولیه و اندکی لباس، به طرف پنجشیر حرکت نمودیم. وقتی وارد وادی پنجشیر شدیم، اکثر شاخه‌های درخت‌ها شکسته بود. با آن که دو روز از حادثه برف‌کوچ/بهمن و سه روز از برف باری گذشته بود، اما هنوز انبوه برف در جاده سبب می‌شد که با رو به رو شدن دو موتر در یک ساحه، راه بند شود. در نزدیکی منطقه بازارک، قطار موترهای امنیتی محمد اشرف غنی رئیس دولت وحدت ملی، راه را بر روی عابران بسته بودند. مدت نزدیک به یک ساعت در راه‌بندان نیروهای امنیتی گیر ماندیم تا آن که چرخ‌پال‌ها آقای غنی را از پنجشیر برداشتند و راه به روی ما باز شد. هر قدر که پیش می‌رفتیم، در دو سوی جاده برف زخیم تر می‌شد. تا آن که نزدیک به ساعت ۴ عصر به منطقه «کره تاس» در «عبدالله خیل» رسیدیم. شهرستان «دره» در کنار پریان، شتل و سفیدچهر از مناطقی اند که از برف‌کوچ آسیب جدی دیده اند. چند لحظه پیش از آن که ما به محل برسیم، مردم عبدالله خیل نماز جنازه‌ی یک‌جایی بر ۲۲ تن از عزیزان شان برگزار نمودند. ما وقتی به منطقه عبدالله خیل رسیدیم، برف راه را به روی موترها بسته بود. در پیش روی موترهای ما، در فاصله ۵۰ متری قطار موترهای عبدالله عبدالله، رئیس اجرایی دولت وحدت ملی و همراهانش قرار داشت، در پیش روی قطار موترهای آقای عبدالله تنها یک اسکوتر مصروف پاک‌کاری راه بود. برای پاک‌کاری آن همه برف یک اسکوتر کافی نبود و این نشان می‌داد که دولت برای بازکردن راه‌ها وسایل کافی در نظر نگرفته است. در مرکز صحنی نزدیک حادثه در عبدالله خیل، امکانات پزشکی بسیار محدود بود. مسئول درمانگاه محلی گفت، حتی یک تابلیت ضد درد هم نداریم و داروهایی را که با خود برده بودیم، اندک کمکی بود که به این مرکز صحنی می‌رسید. حاجی رحم‌خدا، نماینده روستایی بود که حادثه آن را ویران کرده و جان ده‌ها تن از زنان، کودکان و مردان آن جا را گرفته است. او از وضعیت آسیب دیدگان حکایت دردآوری داشت... و متأسفانه بندش راه‌ها اصلی‌ترین چالش فرا راه کمک‌رسانی در این حادثه است. تا آن که تمام راه‌ها به صورت درست پاک شود، احتمال می‌رود دو روز دیگر هم طول بکشد؛ اما هنوز مشخص نیست که چندین



تن زیر آوار خانه‌ها و برف هنوز نفس می‌کشند. در منطقه‌ی دیگر پنجشیر که فاجعه‌ی بزرگ انسانی را رقم خورده است، شهرستان پریان است. تصاویر گرفته شده از قربانیان حادثه توسط رضاکاران محلی از پریان، نشان می‌دهد که جسد‌های ده‌ها کودک و زن از زیر آوار برف بیرون کشیده شده و برخی از خانواده‌ها به صورت دست‌جمعی جان باخته‌اند و از برخی خانواده‌های که نزدیک به بیست تن عضو داشتند، یک یا دو تن زنده مانده‌اند. جاده بر روی موترها به تمام مناطق آسیب دیده مسدود است و امکان کمک‌رسانی توسط موتر ممکن نیست. همچنان برای امداد رسانی از راه هوا، هنوز کاری صورت نگرفته است. همین گونه در بسیاری از مناطق، هنوز آمار قربانیان و تخمین فاجعه به دلیل بسته بودن راه وجود ندارد.

پس اکنون چه کاری باید شود؟

۱- نخست باید برای پاک‌کاری راه اقدام جدی صورت گیرد. شمار وسایلی که برای پاک‌کاری راه‌ها فعال بودند به هیچ وجه کافی نیست. اگر خود دولت قادر به این کار نیست، باید از نیروهای جهانی کمک خواسته شود. ۲- آسیب دیدگان و بازماندگان که زنده‌اند، نیاز جدی به کمک‌های پزشکی، دارو، لباس، غذا، سرپناه و وسایل منزل دارند. اکنون باید کمپ‌هایی ایجاد شود مجهز به گرم‌کن، تشناب و درمانگاه، تا آسیب دیدگان به آن جا منتقل شوند. همچنان، زنان به مراقبت جدی درمانی با حضور پزشکان زن نیاز دارند. ۳- کودکانی در این فاجعه، پدر و مادر و در کل سرپرست شان را از دست داده‌اند، همین طور سالمندانی که دیگر پسر جوانی از آن‌ها به جا نمانده است؛ باید برنامه‌ای برای سرپرستی آن‌ها در نظر گرفته شود. ۴- کمک‌هایی که اکنون صورت می‌گیرد، آنی و موقتی‌اند، باید برای ساکن ساختن آسیب دیدگان در یک جان امن، برنامه‌ریزی جدی شود. در کنار این که برف‌کوچ حالا دار و ندار مردم را گرفته است، این برف بهار پر از سیلابی را در پی دارد. اکثر خانه‌هایی که اگر از برف‌کوچ در امان مانده‌اند، احتمال جدی می‌رود که از اثر سیلاب تخریب شود، به این دلیل ساکن ساختن مردم در یک جای دیگر، اقدام پیشگیرانه از فاجعه‌ی بعدی خواهد بود. ۵- برف سنگین در کنار تلفات انسانی وحشتناک، با تخریب درخت‌ها و از بین بردن مواشی، زیان بزرگ اقتصادی را به مردم وارد کرده است. اکثر روستا نشینان از طریق فروش حاصل باغ و مالداری زندگی می‌گذرانند، حالا این زمینه درآمد را از دست داده‌اند و نیاز به کمک جدی دارند.

### سیاست خارجی پاکستان...

مناطق مرزی دو کشور اعلام کرده بود که دهلی‌نو برای دفاع از مرزهای خود آمادگی دارد و اهمیتی به هشدارهای رییس ستاد ارتش پاکستان نمی‌دهد. وزیر داخله هند به خبرنگاران گفت: دولت هند به شهروندانش اطمینان می‌دهد که ارتش این کشور مرزهای کشورش را حفظ کرده و اظهارات اسلام‌آباد نیز هیچ تأثیری در این خصوص ندارد. وزیر امور خارجه هند به زودی وارد اسلام‌آباد شود و مقامات پاکستانی نیز معتقدند که در این دیدار در مورد از سرگیری مذاکرات صلح و مسأله «کشمیر» نیز گفت‌وگو خواهد شد.

این در حالی است که مقامات هندی پیش بینی کردند که مذاکرات صلح در سطح وزرای امور خارجه هند و پاکستان نتیجه تأثیرگذاری بر روابط دو کشور ندارد زیرا محور گفت‌وگوهای این مذاکرات بیشتر در مورد نشست آینده اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای کشورهای جنوب آسیا «سارک» در اسلام‌آباد است.

در چند ماه گذشته بیش از ۲۲ نفر در درگیری‌های مرزی هند و پاکستان کشته و بیش از ۵۰ نفر دیگر نیز زخمی شدند.

هند و پاکستان در دسامبر سال ۲۰۱۳ میلادی به اجرای آتش بس امضا شده در سال ۲۰۰۳ متعهد شدند اما تاکنون بارها این توافقنامه از سوی ۲ کشور نقض شده و غیرنظامیان ساکن مناطق مرزی، قربانیان اصلی این درگیری‌ها هستند.

### طالبان، القاعده، داعش...

می‌ورزند و به هیچ نوع برابری زن و مرد معتقد نیستند. داعش در عصر کنونی؛ سده بیست‌ویکم میلادی، عصر ماهواره و انترنیت و عصر مدنیت و مدرنیت، رسم برده‌گی و کنیزسازی و بهره‌گیری نامحدود جنسی را از کنیزان، احیای سنت جهاد و بازگشت به صدر اسلام و سنت پیامبر تلقی می‌کند، در حالی که خوارچ حتا در سده هفتم و هشتم، کنیزگیری و همخواه‌گی با آن‌ها را ناپسند تلقی می‌کرد.

طالبان و داعش در عصر حاضر، زنان را سنگسار می‌کنند، اما خوارچ به مشروعیت سنگسار بی‌باور بودند.

طالبان افغانستان به‌صورت واضح و روشن، ابزار دست استخبارات نظامی پاکستان هستند که از سوی دولت و نظامیان پاکستان در جهت منافع و اهداف‌شان مورد استفاده قرار می‌گیرند و گروه‌های مشابه دیگر همچون القاعده و داعش نیز ساخته و پرداخته سازمان‌های جاسوسی دولت‌های سلطه‌گر و سودجو پنداشته می‌شوند؛ اما در تاریخ، هیچ‌گاه از خوارچ به عنوان ابزار منافع دولت‌ها و کشورهای خارجی مخالف دولت‌های مسلمانان نام برده نشده است.



## طالبان، القاعده، داعش و بوکو حرام «خوارج» عصر ما هستند؟



محمد اکرام اندیشمند

خارج‌شده‌گان از دین بود و برای آن‌ها صفتی حقارت‌بار به شمار می‌آمد. هر چند آن‌ها خود را «شُرّات» با الهام و استنباط از آیه ۱۱۱ سوره التوبه (ان الله اشتری من المؤمنین.....) به معنی و مفهوم فروشنده‌گان جان خود در راه خدا معرفی می‌کردند و می‌نامیدند، اما به «خوارج» شهرت یافتند. خوارج یعنی گروه شورشی مخالف نظام سیاسی حاکم و حاکمان نشسته بر کرسی قدرت.

### خاستگاه و پایگاه اجتماعی خوارج

بسیاری از افراد و نیروهای خوارج در آغاز ظهور و شکل‌گیری این گروه، به قبایل «بنی حنیفه» و «بنی تمیم» مربوط می‌شدند. این قبایل در سال‌های گسترش اسلام، نقش مهم و فداکارانه داشتند و در دوران نخست مخالفت‌ها علیه خلافت علی (رض) که به جنگ جمل و سپس جنگ صفین انجامید، از طرفداران سرسخت و جدی خلیفه چهارم و یا از شیعیان ایشان بودند. خرقوص بن زهیر معروف به ذوالخویصره از سران طایفه بنی سعد قبیله بنی تمیم از قوماندان‌ها و کلان‌های خوارج جدا شده از لشکر خلیفه چهارم اسلام بود که با هزاران مرد شمشیرزن دیگر از صف علی در صفین بیرون شد و در جنگ خونین نهروان با نیروهای وفادار به حضرت علی جنگید و به قتل رسید. شهر بصره به عنوان شهری نوساز در قلمرو خلافت اسلامی، مرکز فرقه خوارج بود؛ زیرا بنی تمیم و بنی بکر که بسیاری از اهل خوارج متعلق به آن‌ها بودند، در بصره سکونت یافته بودند. البته سپس گروه خوارج از نظر تعلق قبیله‌یی تنها محدود به عشایر این قبایل نشد، بلکه افراد و دسته‌های دیگر از سایر قبایل و طوایف به جنبش خوارج پیوستند و در طول

نیروهای داعش، تمام آثار تاریخی شهر موصل و ولایت نینوی عراق را چهار روز پیش (۷ حوت ۱۳۹۳) تخریب کردند؛ همان کاری که طالبان افغانستان در حوت ۱۳۷۹ (۹ مارچ ۲۰۰۱) با مجسمه بودا در بامیان و سایر تندیس‌های تاریخی دیگر در موزیم ملی کابل انجام دادند. این در حالی است که داعشیان در عراق تا اکنون به نام جهاد و تحقق اسلام و شریعت اسلامی، سرهای زیادی را بریده و به زنان و دختران اسیر متعلق به اقلیت‌های دینی و مذهبی دیگر به عنوان کنیز و مال غنیمت، تجاوز کرده‌اند. هر چند گزارش کنیزگیری و تجاوز از گروه طالبان در افغانستان و پاکستان وجود نداشته است، اما تمام این گروه‌ها در کشتار انسان‌ها با شیوه ذبح و سر بریدن، مشابهت دارند. برخی از آگاهان و تحلیل‌گران، گروه‌های نام‌برده را در سده بیست‌ویکم میلادی با گروه خوارج سده‌های هفتم و هشتم میلادی در اندیشه و عمل، یکسان تلقی می‌کنند و این گروه‌ها را، خوارج عصر حاضر در جوامع مسلمان می‌پندارند. آیا واقعا چنین است؟ آیا طالبان، داعش، القاعده و ... سده ۲۱ میلادی، خوارج سده ۷ و ۸ میلادی‌اند؟

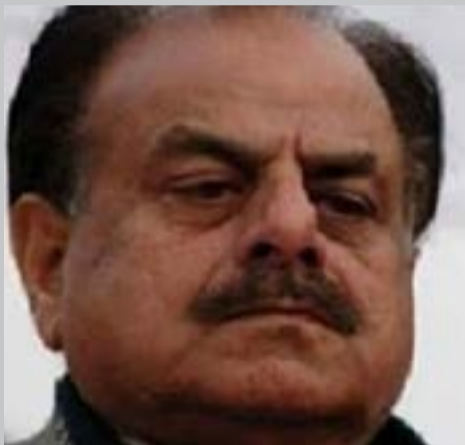
### خوارج چه کسانی بودند؟

شماره‌ای از نیروهای حضرت علی در جنگ صفین که با امیر معاویه صورت گرفت، خوارج نام گرفتند. آن‌ها پس از پذیرش حکمیت برای صلح که آن را مخالف آیه ۳۷ سوره انعام (ان الحكم الا لله) خواندند، نیروهای خلیفه چهارم را ترک کردند و سپس در مقابل هر دو طرف جنگیدند. حضرت علی و طرفدارانش این‌ها را «مارقین» نامیدند که به معنی

### جنرال حمید گل:

### سیاست خارجی پاکستان

### از سوی ارتش تعیین می‌شود



رییس سابق سازمان اطلاعات ارتش پاکستان (آی. اس. آی) با اشاره به مذاکرات احتمالی این کشور با هند اعلام کرد که سیاست خارجی پاکستان در حال حاضر از سوی رییس ستاد ارتش این کشور تعیین می‌شود.

حمید گل جنرال بازنشسته و رییس سابق سازمان اطلاعات ارتش پاکستان در گفت‌وگو با «اکسپرس نیوز» اعلام کرد که اگر تنش‌های پاکستان و هند ادامه یابد، «نارندرا مودی» نخست وزیر این کشور در تلاش‌های خود برای توسعه کشور نیز موفق نخواهد شد.

وی افزود: پاکستان در مذاکرات اسلام‌آباد با دهلی‌نو در مورد مسأله «کشمیر» سازش نخواهد کرد و سیاست خارجی پاکستان نیز در حال حاضر از سوی ارتش این کشور تعیین می‌شود.

وی اذعان کرد: ارتش پاکستان مخالف مذاکرات این کشور با هند نیست.

رییس سابق سازمان اطلاعات ارتش پاکستان تصریح کرد که اسلام‌آباد مذاکرات با دهلی‌نو را رد نخواهد کرد و اگر آمریکا نیز به پاکستان نیازمند است باید در مورد راه حل مسأله کشمیر نقش ایفا کند.

حمیدگل اظهارداشت: اسلام‌آباد باید موضعی اتخاذ کند که در صورت برقراری روابط تجاری با دهلی‌نو، مسیر آن از «سرینگر» یکی از شهرهای کشمیر باشد. وی در ادامه گفت: آمریکا هرگز بدنبال حل مسأله کشمیر نیست زیرا در صورت چنین خواسته‌ای دولت هند به مذاکره وادار می‌شد.

قابل ذکر است که «راج نات سینگ» وزیر داخله هند پیش از این نیز در واکنش به بیانیه رییس ستاد ارتش پاکستان مبنی بر پاسخ سنگین نظامی به نیروی امنیتی هند در صورت نفوذ در...  
 ادامه صفحه ۷

دوران خلافت امویان و سال‌های نخست خلافت عباسیان، در سایر بلاد اسلامی خارج از شبه جزیره عربستان گسترش یافتند.

### خطوط فکری و ایدئولوژیکی خوارج

خوارج در واقع یک فرقه نظامی، سیاسی، کلامی، مذهبی و اجتماعی بودند که تدریجاً برداشت و قرائت خاص خود را از اسلام ارایه کردند و بر سر تحقق و تطبیق آن جنگیدند. خوارج هر چند به گروه‌ها و دسته‌های مختلف، منقسم و منشعب گردیدند و هر کدام با افکار و رفتار متفاوت از نام و آدرس دین ظاهر شدند، اما در بسا موارد قرائت و باور مشترک داشتند. باورها و دیدگاه‌هایی که آن را حقیقت دریافتی از دین می‌پنداشتند.

خوارج، خلافت دو خلیفه اول اسلام را مشروع می‌پنداشتند، اما خلیفه سوم را در سال‌های اخیر خلافتش متهم به انحراف از حق و عدالت می‌کردند و مستوجب عزل و قتل می‌دانستند. انتساب خلیفه را به قبیله قریش و عرب الزامی تلقی نمی‌کردند، تقوی و آرای آزاد مردم را در انتخاب خلیفه از طریق همه‌پرسی، معیار می‌پنداشتند. وراثت در جانشینی پیامبر را نمی‌پذیرفتند. به مساوات مرد و زن باور داشتند و برخی از فرقه‌هایشان مانند فرقه «شیبیه»، خلافت و امامت زنان را مشروع می‌دانستند و تفاوتی در رهبری میان زن و مرد قایل نبودند. تک همسری را برای مردان مسلمان جز در موارد بسیار خاص چون نازایی زن، الزامی می‌دانستند. به مساوات اقتصادی و به تقوی و عدالت تأکید می‌کردند، از ظالمان بیزاری می‌جستند و به‌رغم نابردباری و خشونت‌ورزی، روحیه فداکاری و ریاضت‌کشی داشتند. برده‌سازی و کنیزگیری از مغلوبین و بهره‌جنسی از کنیز راه، قبیح و ناسزا می‌پنداشتند و با این روش مخالفت می‌ورزیدند. خوارج، سنگسار را مشروع نمی‌دانستند. در مورد سوره یوسف با این استدلال که داستان عاشقانه وحی منزل شده نمی‌تواند، دیدگاه تردیدآمیز ارایه می‌کردند و همچون فرقه معتزله، باور به مخلوق بودن قرآن داشتند. اما خوارج دیدگاه و برداشت خود از قرآن و اسلام را ابزار تکفیر، خشونت و کشتار ساختند.

تفاوت و تعارض خوارج با گروه‌های خونریز و تکفیرگرای عصر حاضر علی‌رغم تشابه و همسانی خوارج در خون‌ریزی و کشتار مخالفان با گروه‌های خونریز و خشونت‌گرایی چون: طالبان، داعش، القاعده و...، تفکر و دیدگاه دینی این گروه‌ها در برخی موارد مهم سیاسی و اجتماعی با خوارج نه تنها همسانی و نزدیکی ندارد، بلکه متفاوت و حتا متناقض است. این گروه‌ها برخلاف خوارج، با حقوق مدنی و اجتماعی زنان به‌شدت مخالفت...  
 ادامه صفحه ۷

شماره	موقعیت اعلان در روزنامه	اندازه	از 1 الی 30 روز	از 31 الی 80 روز	برای 180 روز 40% تخفیف
1	قسمت بالای صفحه کنار لوگو	14/4 cm	\$ 60	\$ 48	\$ 36
2	نصف پائین صفحه اول	16/25 cm	\$ 250	\$ 200	\$ 150
3	بنا در صفحه اول یا اخیر	3/25 cm	\$ 70	\$ 56	\$ 42
4	مکمل صفحه داخلی	36/25 cm	\$ 350	\$ 280	\$ 210
5	قسمت بالای صفحه اخیر	12/6 cm	\$ 100	\$ 80	\$ 60
6	نصف پائین صفحه اخیر	16/25 cm	\$ 250	\$ 200	\$ 150
7	در قسمت بالای وب سایت		برای 7 روز \$ 400	برای 14 روز \$ 600	برای 30 روز \$ 1200